



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت  
علیهما الصلوات  
والتسلیمات

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



# با جوانان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# با جوانان

نویسنده:

آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی (دام  
ظله )

ناشر چاپی:

راسخون

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

- فهرست ..... ۵
- با جوانان ..... ۷
- مشخصات کتاب ..... ۷
۱. نصایح ..... ۷
- سؤال ۱ = تزکیه نفس ..... ۷
- سؤال ۲ = عدم پای بندی اعضای خانواده به وظایف و دستورات اسلامی ..... ۸
- سؤال ۳ = نصیحت درباره سعادت دنیا و آخرت ..... ۸
- سؤال ۴ = راهنمایی در مسیر سلوک ..... ۱۰
- سؤال ۵ = رهایی از گرفتاریهای روحی ..... ۱۰
- سؤال ۶ = نصیحت در ایام تولد حضرت زهرا (س) ..... ۱۱
- سؤال ۷ = بهترین و مهمترین آرزو از خدای سبحان ..... ۱۴
- بهترین و مهمترین آرزو از خدای سبحان ..... ۱۴
- سوال اول ..... ۱۴
- سوال دوم ..... ۱۷
- سؤال ۸ = راهنمایی جوانان مشرف به تکلیف ..... ۱۸
- سؤال ۹ = مبارزه با نفس اماره ..... ۱۹
- سؤال ۱۰ = راهنمایی در آغاز سال تحصیلی ..... ۲۰
- سؤال ۱۱ = خودکشی و عواقب آن ..... ۲۱
- سؤال ۱۲ = نصیحتی برای تمامی جوانان ایران ..... ۲۲
- سؤال ۱۳ = نصیحتی مفید برای دنیا و آخرت ..... ۲۲
- سؤال ۱۴ = نصیحتی برای جوانان ..... ۲۳
- سؤال ۱۵ = نامه ای خطاب به دکتر صافی ..... ۲۳
- سؤال ۱۶ = نامه ای خطاب به خانم دکتر صافی ..... ۲۴

- ۲۵ ..... ۲ . تعلیم و تربیت
- ۲۵ ..... سؤال ۱۷ = نظر اسلام درباره سخنان قبیح و زشت
- ۲۵ ..... سؤال ۱۸ = رهنمودهایی درباره شغل معلمی
- ۲۷ ..... سؤال ۱۹ = بهترین راه خودسازی و بهترین راه طرد شیطان
- ۲۷ ..... سؤال ۲۰ = مراحل رسیدن به کمال انسانی
- ۲۸ ..... سؤال ۲۱ = موسیقی و ترک نماز
- ۲۸ ..... سؤال ۲۲ = معاشرت با دوست و رفیق
- ۲۹ ..... سؤال ۲۳ = ارتباط با خدا وائمه معصومین
- ۲۹ ..... سؤال ۲۴ = نامه ای در مسائل جوانان
- ۲۹ ..... نامه ای در مسائل جوانان
- ۳۰ ..... پاسخ
- ۳۲ ..... سؤال ۲۵ = سئوالی درباره ارتباط با نامحرم و اظهار علاقه به مجسمه و صلیب
- ۳۴ ..... ۳ . ازدواج
- ۳۴ ..... سؤال ۲۶ = حقوق زوجین
- ۳۵ ..... سؤال ۲۷ = معیارهای انتخاب همسر
- ۳۶ ..... سؤال ۲۸ = بد اخلاقی همسر
- ۳۷ ..... ۴ . نمایه واژه ها
- ۳۸ ..... پی نوشتها
- ۳۸ ..... ۵۰ تا
- ۴۰ ..... ۱۰۱ تا ۵۱
- ۴۱ ..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## با جوانان

## مشخصات کتاب

سرشناسه: صافی گلپایگانی، لطف‌الله ۱۲۹۷ - عنوان و نام پدیدآور: با جوانان مجموعه‌ای اخلاقی تربیتی از رهنمودهای حضرت آیت‌الله العظمی صافی مدظله‌العالی. مشخصات نشر: قم راسخون ۱۳۷۷. مشخصات ظاهری: ۱۵۲ ص. شابک: ۴۰۰۰ ریال: ۹۶۴۹۱۵۳۱۵۲؛ ۵۰۰۰ ریال (چاپ ششم)؛ ۱۰۰۰۰ ریال (چاپ چهارم)؛ ۱۰۰۰۰ ریال چاپ چهاردهم: ۹۶۴-۹۱۵۳۱-۵-۲ وضعیت فهرست نویسی: برون‌سپاری. یادداشت: چاپ دوم دی ماه ۱۳۷۷. یادداشت: چاپ سوم آبان ۱۳۷۸. یادداشت: چاپ ششم (زمستان ۱۳۸۰). یادداشت: چاپ دوازدهم: ۱۳۸۵. یادداشت: چاپ چهاردهم: ۱۳۸۵. یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس یادداشت: نمایه. موضوع: اسلام -- پرسش‌ها و پاسخ‌ها رده بندی کنگره: BP۱۲/ص ۲ب ۲ ۱۳۷۷ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۰۷۶ شماره کتابشناسی ملی: م ۷۷-۱۵۰۵۱

## ۱. نصایح

## سؤال ۱ = تزکیه نفس

بسم الله الرحمن الرحيم. محضر حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته). سلام علیکم. تقاضا دارم به سؤالات زیر پاسخ بفرمایید: با توجه به اینکه خداوند در سوره شمس، یازده قسم برای تزکیه نفس یاد کرده است، عده ای تزکیه و تهذیب نفس را واجب می دانند، آیا صحیح است؟ تزکیه و تصفیه نفس، واجب است و بر حسب آیه کریمه ((قد افلح من زکیها))، ((۱)) هر کس تزکیه نفس کند، رستگار می باشد. مسأله پاکسازی، تهذیب اخلاق، تصفیه، تحلیه، صفای روح و جلای قلب در برنامه های عبادی و اخلاقی و اعتقادی اسلام منظور شده است، و همه در صفای باطن و بردن زنگار از قلب و تهذیب نفس و تنویر ضمیر مؤثرند. بخشی از تعالیم عالیه اسلام، تزکیه و تصفیه و بخشی هم تکمیل و تحلیه و بلکه بیشتر یا همه تعالیم دین مبین، متضمن هر دو فایده تزکیه و تحلیه است. توبه، استغفار، تقوا، اجتناب از محرمات، اهتمام در حلیت غذا، پوشاک، مسکن، کسب، شغل و انجام عبادات و ریاضات شرعی از نماز، دعا، ذکر خدا، روزه، حج، ادای زکات و سایر حقوق شرعی و احسان به والدین، احترام معلم، صلح رحم، کظم غیظ، یاد موت، زیارت مشاهد و قبور، اعتبار از حوادث روزگار، مجالست با نیکان و علما و بیشتر هدایتها و ارشادات دینی که یا به عنوان واجب یا مستحب یا حرام یا مکروه عنوان شده است، همه اسباب صفای باطن، کمال نفس، تزکیه و تحلیه است، همه سیر و سلوک است و مخصوصا اعتقادات صحیح معرفه الله، معرفت انبیا، معرفت ائمه و سایر معارف که بر اساس توحید و ایمان به عالم غیب و جزا و پاداش و معاد، استوار است. در این خودسازی، انسان نقش اساسی و بنیادی دارد، انجام وظایف و تکالیف و عبادات و ترک گناه که ادامه یافت، روشنی باطن بیشتر و بیشتر می شود، و سفر آنان الی الله و به سوی خدا شتاب می گیرد تا تمام قلب، روشن و منور گردد، و به عکس ارتکاب محرمات، گناهان و ترک عمل به هدایت‌های دینی قلب را تاریک و سیاه و روح را آلوده و تباه می سازد. بنابراین، دین، همه اش سلوک و سیر الی الله و تهذیب و تصفیه و تحلیه و تکمیل است این سیر و سلوک، عمل است که ((من عمل صالحا من ذکر او انشی و هو مؤمن فلنحییه حیاة طیبة و لنجزینهم اجرهم باحسن ما کانوا یعملون)) ((۲)) موجب حیات طیبه می گردد و باعمل، التزام، ایمان، تعهد، خلوص نیت و خلاصه، دو بال علم و عمل، انسان به این مقامات نایل می شود و در مشاهد عالیه، حضور می یابد. پیر، مرشد، قطب و تلقین ذکر از این و آن غیر از قرآن و احادیث اهل بیت عصمت و طهارت، علیهم



السلام، نمی خواهد و نباید به اسم سیر و سلوک، افرادی دین را به شریعت و طریقت تجزیه نمایند و گروه بندی کنند و حتی علما را به این عناوین تقسیم بندی کرد و برنامه هایی را که اصالت اسلامی ندارند، عنوان نمایند. سیر و سلوک همه کتابهایی مثل مصباح المتهجد شیخ توسی، انجام فرایض، نوافل، امر به معروف و نهی از منکر و سعی در اعلائی کلمه اسلام و عزت مسلمین و قضای حوایج مؤمنین و انتظار واقعی فرج، به ظهور حضرت مهدی، ارواح العالمین له الفدا، است. خداوند متعال همگان را به دین خود، در راه راست - که اسلام است - هدایت فرماید. گاهی گفته می شود اگر کسی می خواهد به کمالات معنوی برسد باید ادعیه و اذکار را مانند دارو بداند و آن را زیر نظر طبیب روحانی و مجتهد مصرف کند، زیرا ادعیه ما دارای مراتب روحی است، آیا صحیح است؟ در این جهت، همین مقدار که ادعیه و اذکار را از کتابهای معتبر مثل کتابهای علاء مه مجلسی و کتاب مصباح شیخ توسی و مفاتیح الجنان بخواند کافی است و نیز نظر شخص خاص و اجازه، لازم نیست، بلکه بعضی برنامه هایی به این عناوین - که باید با اجازه باشد و صوفیه و بعضی دیگر عنوان کرده و می کنند - بی اصل و بعضی صورتهای آن بدعت و حرام است، غرض اینست که برنامه های دعا و عبادت و همه وظایف از شرع و از حضرات معصومین، علیهم السلام، رسیده باشد و شخص از اختراعات اشخاص تقلید ننماید. قم / لطف الله صافی.

### سؤال ۲ = عدم پای بندی اعضای خانواده به وظایف و دستورات اسلامی

باسمه تعالی. حضور مبارک مرجع عظیم الشان شیعه، حضرت آیت الله العظمی صافی (دام ظلّه العالی). با سلام! حضرت آیت الله، محیط زندگانی برای اینجانب بسیار مشکل شده و این به خاطر عدم پای بندی اعضای خانواده مان، به وظایف و دستورات اسلامی است به همین جهت تصمیم به ترک خانه را دارم تا در جایی دیگر، با فراغ بال، به وظایف شرعی رسیدگی کنم در ضمن حافظه ام نیز قوی نیست و این مشکلی دیگر برای من است. خواهشمندست در این دو مورد اینجانب را، با اندرزهای گهربارتان، راهنمایی نمایید. بسم الله الرحمن الرحیم. مرقوم شما واصل شد از خداوند متعال مسالت می نمایم مشکلات شما به احسن وجه حل شود و حسن عاقبت داشته باشید. احساسات دینی، علاقه و تعهد شما به احکام و وظایف شرعی مورد تقدیر است انشاءالله مشمول الطاف حضرت بقیه الله، ارواح العالمین له الفدا، باشید فعلا اگر چه محیط خانواده برای انجام وظایف مذهبی چنانکه لازم است آماده نباشد، ولی شما استقامت کنید و با همین شرایط، وظایف خود را انجام دهید به نظر می رسد تغییر وضع زندگی قبل از پایان تحصیلات، موجب اشکالات بیشتر برای شما شود. شما وضع مسلمانان صدر اسلام را در نظر بگیرید که جوانهایی در خانواده های کفر اسلام آوردند و باوجود چه مشکلات و متاعبی، استقامت می ورزیدند انشاءالله شما موفق می شوید مایوس نباشید ضعف حافظه هم مساله ای نیست بسیار دیده شده اشخاص با هوش و استعداد در حافظه ضعیف بوده اند و بعکس هم اتفاق افتاده است که آن ضعف را آن قوت جبران می نماید. خداوند متعال شما را یاری کند. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته. لطف الله صافی.

### سؤال ۳ = نصیحت درباره سعادت دنیا و آخرت

محضر مرجع عالیقدر، حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی (دام ظلّه الشریف). با سلام! با توجه به اینکه جنابعالی با بزرگان زیادی مانوس بوده اید، مستدعی است نصیحتی را که راهگشای سعادت دارین باشد، مرقوم فرمایید که: ((فان الذکری تنفع المؤمنین)) ((۳)). بسم الله الرحمن الرحیم. عالم و هر چه در آن است و همه حوادثی که در آن واقع می شود، گردش سال و گذشت عمر و شب و روز، زمین و آسمان، فقر و توانگری، تندرستی و بیماری، جوانی و پیری، زندگی و مرگ، ذلت و عزت و هر چه را می بینیم و پیدایش هر چیز و نشو و نمای آن و تغییراتی که در آن پیدا می شود، تا مرگ و

فناى آن ، همه پند و نصیحت است . اگر نظر انسان ، نظر عبرت باشد و از ظاهر دنیا ، باطن آن را بشناسد ، نگاهش به هر چیزی و هر پدیده‌ای او را از جهات متعدد هشیار و بیدار می‌سازد و در هر ذره‌ای از ذرات عالم امکان و هر برگی از برگهای درختان ، ابوابی از معرفت و راههایی برای نیل به سعادت می‌یابد ، به شرط اینکه در زمره آنان باشد که : ((و یتفکرون فی خلق السماوات ربنا ما خلقت هذا باطلا)) (۴) در شان آنهاست و از مردمانی که وصف آنها ((لهم قلوب لایفقهون بها ولهم اعین لایبصرون بهاو لهم اذان لایسمعون بها)) (۵) است ، نباشد . بنابراین ، کتاب تکوین - سراسرش و تمام ذراتش ، کلمات ، آیات و حروفش - پر است از موعظه و نصیحت ، به شرط اینکه ، شخص ، سواد خواندن آن و عقل فهم معانی آن را داشته باشد . کتاب بزرگ وحی و تشریح قرآن مجید نیز مثل همان کتاب تکوین ، متضمن هدایت ، نصیحت و ارشاد است هر چه انسان آن را بیشتر بخواند و در معانی آیات آن بیشتر تأمل کند ، به مواعظ و نصایح بیش و بیشتر راهنمایی می‌شود شما در هر رشته‌ای نصیحت بخواید می‌توانید از این کتاب اعظم آسمانی دریافت کنید . اوصاف عبادالرحمن را در سوره مبارکه فرقان بخوانید . تعلیمات اخلاقی و اجتماعی را در مثل سوره اسری ، آیات ۲۲ تا ۳۹ ، قرائت کنید آیات بشارت و انداز آن ، همه نصیحت و هشدار دهنده است بیان اوصاف مؤمنین ، اصحاب میمنه ، اصحاب یمین و اصحاب شمال ، آموزنده و نصیحت است قصص قرآن ، سرگذشت انبیا و رجال الهی و سؤ عاقبت کفار ، ارباب معاصی ، فراعنه و جباران ، پند و اندرز و هدایت به صراط مستقیم است ، همه را بخوانید و پیوسته تکرار کنید و در مضامین آنها تأمل نمایید در مثل این آیات کریمه تأمل کنید و سعی کنید به حقیقت مفاد آنها برسید : ((تلک الدار الاخره نجعلها للذین لایریدون علوا فی الارض و لافسادا و العاقبه للمتقین)) (۶) ، ((واضرب لهم مثل الحیوة الدنیا کما انزلناه من السماء فخلطت به نبات الارض فاصبح هشیما تذروه الریاح و کان الله علی کل شیء مقتدرا)) (۷) ، ((فمن یعمل مثقال ذره خیرا یره و من یعمل مثقال ذره شریره)) (۸) ، ((و کاین من آیه فی السماوات و الارض یمرون علیها و هم عنهام معرضون)) (۹) ، ((کم ترکوا من جنات و عیون و زروع و مقام کریم و نعمه کانوا فیها فاکهین)) (۱۰) ، ((افرایت ان متعناهم سنین ثم جاهم ماکانوا یوعدون ماغنی عنهم ماکانوا یمتعون)) (۱۱) . خلاصه ، قرآن نوری است که اگر از آن روشنی طلب شود ، همه تاریکیها را از میان می‌برد اگر به زبان عربی ، آشنایی ندارید ، تفسیر این آیات را در تفاسیر فارسی ، مثل منهج الصادقین و تفسیر ابوالفتوح رازی ، بخوانید . همراه با قرآن ، مواعظ و نصایح رسول خدا ، صلی الله علیه و آله ، و مواعظ امیرالمؤمنین ، علیه السلام ، را در نهج البلاغه و کتابهای دیگر ، و نصایح سایر ائمه معصومین ، علیهم السلام ، را که حاملان علوم قرآن و مفسران حقیقی کتاب خدا می‌باشند ، بخوانید . سعی کنید در حدی که می‌توانید ، حقوق برادران و خواهران ایمانی را رعایت کنید ، برای قضای حوایج مردم ، خصوصا طبقات ضعیف تلاش کنید ، حضور در جماعات و جلسات دینی و مذهبی را ترک نکنید . توفیق به نماز شب را بسیار مهم و مغتنم بدانید و از یاد خدا در هر حال غافل نباشید ، شبهای جمعه دعای کمیل و روزهای آن ، دعای ندبه را بخوانید . سخت تر از آنچه شخص در امور مالی ، از شریک و طرف معامله خود حساب می‌خواهد ، خودتان به دقت ، به حساب کارهای خودتان برسید که فرمودند : ((لیس منا من لم یحاسب نفسه فی کل یوم فان عمل حسنا استزادالله و ان عمل سیئا استغفرالله منه و تاب الیه)) (۱۲) . نیت خود را خالص کنید و خود را به هیچ کس و هیچ چیز ، جز خدا و ثواب خدا نفروشید . با حضرت بقیه الله ، قطب عالم امکان ، ارواح العالمین له الفدا ، ارتباط قلبی را مستمر بدارید فراموش نکنید که رعیت آن حضرت و تحت ولایت آن حضرت هستیم هر چه بتوانیم کارهای خودمان را به حساب ایشان و خدمت به اهداف و مقاصد بلند ایشان ، که اعلا کلمه اسلام و عزت مسلمین است ، بگذاریم و همه دوستان ، شیعیان و منتظران ظهور آن بزرگوار را صمیمانه دوست بداریم . امید است سعادت‌مند باشید و به مقامات عالیه ، که فقط با پیروی از اهل بیت ، علیهم السلام ، حاصل می‌شود ، نایل گردید . خداوند ، شما و ما و همه مؤمنین را ، از گرفتار شدن در دامهای شیاطین انسی و جنی و اهل بدع ، حفظ فرماید . اگر در مظان اجابت دعوات ، حقیر را از دعای خیر ، مخصوصا برای سلامتی ایمان ، حسن عاقبت

و توفیق فراموش ننمایید، بسیار متشکر خواهیم بود. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته. لطف الله صافی.

### سؤال ۴ = راهنمایی در مسیر سلوک

خدمت مرجع عظیم القدر، آیت الله العظمی آقای صافی گلپایگانی! . مستدعی است اینجانب را در مسیر سلوک راهنمایی فرمایید آیا در این راه از قطب و مرشد پیروی نمایم؟ در این زمینه، چه کتابی را پیشنهاد می فرمایید؟ . بسم الله الرحمن الرحیم. مکتوب جنابعالی واصل و از مضمون آن اطلاع حاصل شد. چون در مقام تهذیب اخلاق و به گفته خودتان، در سیر و سلوک، راهنمایی از این حقیر خواسته اید، به شما تذکر می دهم که کل تعالیم اسلام، از واجبات، محرمات، مستحبات و مکروهات، سیر و سلوک است. هر مسلمانی، سالک الی الله است، با این تفاوت که در این سلوک، بر حسب قوت و ضعف، اشخاص در تعهد به انجام واجبات و ترک محرمات، همه در یک درجه و رتبه نیستند. هر چه مواظبت انسان بر اطاعت از خداوند متعال و دستورات شرع بیشتر باشد، در این سیر و تحصیل تقرب به خداوند موفق تر می شود. تعالیم عبادی، نماز، حج، روزه، دعا، قرائت قرآن، نماز شب، مواظبت بر خواندن نمازهای نوافل یومیه، عبادات شب و روز جمعه، ترک دروغ و غیبت، محاسبه با نفس، قضای حوائج بندگان خدا، احسان به پدر و مادر، صلح رحم، حسن جوار، حفظ امانت، مصاحبت و همنشینی با علما، تجدید توبه و استغفار، مواظبت بر اذکار تهلیل و تسیح و تحمید و تکبیر، حسن معاشرت با مردم، امر به معروف و نهی از منکر، رعایت حقوق برادران دینی تا حدی که در روایات معلی بن خنیس ((۱۳)) بیان شده، حفظ اعضا و جوارح از معاصی و حتی ترک مشتهات، تفکر در عالم آفرینش و عظمت ظهور قدرت خدا در خلقت مخلوقات، تفکر در فنای دنیا، نظر عبرت به کوه و دریا و موجودات کوچک و بزرگ و امور بسیار دیگر، که در آیات قرآن مجید بیان شده است و شرح مختصر آن نیاز به نوشتن یک کتاب دارد، همه سیر و سلوک است. دستور سیر و سلوک، همین کتابهای دعا، رساله ها، تفاسیر قرآن مجید و کتابهای حدیث فارسی و عربی است محتاج به قطب و مرشد نیست و همه این امور راه رفتن به سوی خدا است، و استاد همه، قرآن و تعلیمات ائمه، علیهم السلام، و احادیث شریفه است. خلاصه، همه مسلمانها، اعم از زن و مرد، در پنج وقت نماز، سیر الی الله دارند زن در خانه شوهر، با خانه داریش و انجام وظایف شرعیه خود، و مرد در بیرون خانه با کد یمین و عرق جبینش، می توانند این سیر را ادامه دهند فقط باید دستور ((ولاتکن من الغافلین)) ((۱۴)) را رعایت کنند و در همه این اعمال، چشم به رضای خدا و تقرب به او داشته باشند و خدا را فراموش نکنند. راه، به برکت تعالیم اسلام، باز است و بسته نیست، و اگر هم بعضی معاصی، سد راه شده باشد، با توبه، باز می شود. اشخاص منزوی، گوشه گیر و تارک امر به معروف و نهی از منکر، راهنما نیستند راه بلدها، علما و شاگردان مکتب ائمه، علیهم السلام، می باشند به شما هشدار می دهم که از این فرقه ای که به آنها اشاره کرده اید، حتما بپرهیزید، زیرا راهها و روشهای آنان، گاه به کفر و شرک منتهی می شود دعوی ارشاد آنها، اضلال است. به شما برادرانه نصیحت می کنم، اگر خودتان با پای خودتان، به مدد خواندن نماز در اول وقت، حفظ زبان و برنامه هایی که به آن اشاره شد، به سوی خدا بروید، به خداوند نزدیک می شوید. ((والذین جاهدوا فینا لنهدينهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین)) ((۱۵)). حقیر هم برای توفیق شما و حفظ ایمان شما از خطر وساوس شیاطین جن و انس، دعا می کنم شما هم بنده را فراموش ننمایید. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته. لطف الله صافی.

### سؤال ۵ = رهایی از گرفتاریهای روحی

خدمت مرجع عالی مقام شیعه، آیت الله العظمی صافی (مدظله). با عرض ادب و ارادت! . برای رهایی از گرفتاری های روحی و سلب توفیقاتی که قبلا داشته ام، چه باید کرد؟ . بسم الله الرحمن الرحیم. نامه شکایت آمیز شما از حالات روحی و تاسف بر

سلب بعضی توفیقاتی که داشته اید، واصل شد. این روحیه گله از نفس و توجه به منابع روحانی یا [توجه به] ابتلا- به خسارتها و زیانهای معنوی، دلیل بیداری ضمیر و حیات قلب و آگاهی و سلامتی روح است و ضد حالت غفلت و بی‌اعتنایی به گناه است و حالت معاتبه نفس است، که در اصلاح باطن بسیار مؤثر است. در احادیث شریفه، قریب به این مضمون آمده است که در امم گذشته، شخصی بود که سالیان دراز عبادت می‌کرد، سپس به رسم آن زمان ها قربانی کرد و مقبول درگاه الوهیت، عزاسمه، نشد او خود را و نفس خود را مخاطب قرار داد و گفت: ((به من نرسید آنچه رسید مگر از تو و نیست گناه، مگر از تو)) خطاب شد که این نکوهش و توییح نفس، از آن سالها عبادت، بهتر است. باید شما با ایمانی که دارید، همین حالت شایسته را داشته باشید از فوت ثواب و محروم شدن از کارنیک ناراحت شوید بنابراین در مقام جبران گذشته برآید و شکر و سپاس خدای متعال را بجا آورید که این وجدان روشن را به شما عطا فرموده است به شکرانه آن برنامه‌هایی را که داشته اید با شوق و نشاط از سر بگیرید از خدا توفیق بخواهید و کمک و یاری طلب کنید انشالله حال شما از گذشته هم بهتر خواهد شد و صفای باطن و نورانیت قلب شما، بیشتر می‌شود. باید بنده، همواره مراقب حالات نفسانی و قلب خود باشد که در حدیث است: ((دل نیز مانند آهن زنگ می‌گیرد، و با تلاوت قرآن کریم و یاد مرگ، زنگ آن زدوده می‌شود)) ((۱۶)). اگر بتوانید نفس خود را جریمه کنید و او را در راه اطاعت و ریاضت، زحمت بیشتر بدهید. زاید بر برنامه، اگر می‌توانید از مال خود، انفاق نمایید، یا نماز بیشتر بخوانید یا قرآن زیادتر تلاوت کنید چنانچه در احوال بعضی بزرگان گفته شده است که: وقتی نماز مغرب را مختصری از اول وقت تاخیر انداخت، به کفاره آن و تادیب خود، بنده ای را آزاد کرد. این فقرات دعاوی شریف ابی حمزه ثمالی ((۱۷)) را با توجه بخوانید و اگر عیبی در کارتان است، آن را اصلاح کنید: ((مالی کلمات قد صلحت سریرتی و قرب من مجالس التواوین مجلسی عرضت لی بلیة ازالتم قدمی و حالت بینی و بین خدمتک سیدی لعلک عن بابک طردتی و عن خدمتک نحیتی او لعلک رایتی مستخفابحقک فاقصیتی او لعلک رایتی معرضا عنک فقلیتی او لعلک وجدتی فی مقام الکاذبین فرفضتی او لعلک رایتی غیر شاکر لنعمائک فحرمتی او لعلک فقدتی من مجالس العلما فخذلتی او لعلک رایتی فی الغافلین فمن رحمتک ایستنی او لعلک رایتی الف مجالس البطالین فبینی و بینهم خلیتی)) ((۱۸)). اینها اشاره به یک سلسله از عوامل قلت یا سلب توفیق است که به هر حال توجه آموز، بیدارگر و عافیت بخش است. من امیدوارم که شما تحت تاثیر هیچیک از عواملی که در این دعا یاد شده قرار نگرفته باشید به امید خدا برنامه‌ها را، مانند گذشته، اجرا کنید، جلو بروید، قدم بردارید که سعادت‌های بزرگ و درجات عالی و مقامات بلند در انتظار شماست. به حضرت بقیة الله، مولانا المهدی، ارواح العالمین له الفدا، متوسل باشید و برای فرج ایشان دعا کنید. به این بنده ضعیف سرمایه از دست داده و در بند نفس گرفتار مانده، از راه مرحمت دعا کنید. ثبتکم الله و ایانا بالقول الثابت فی الحیاء الدنیا و الاخرة بحق محمد و آله الطاهرین صلوات الله علیهم اجمعین. والسلام علیکم ورحمة الله. لطف الله صافی.

### سؤال ۶ = نصیحت در ایام تولد حضرت زهرا (س)

به نام خدا. به لحاظ مبارک مرجع عزیزم، حضرت آیت الله العظمی آقای حاج شیخ لطف الله صافی (مد ظله العالی) برسد. با سلام و تبریک ایام ولادت حضرت فاطمه زهرا، سلام الله علیها، خواهشمند است در این روزهای خجسته، اینجانب را نصیحتی فرمایید تا بتوانم هر چه بیشتر در راه اسلام، ثابت قدم باشم. بسم الله الرحمن الرحیم. الحمد لله رب العالمین و الصلوة والسلام علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و آله الطاهرین، سیما بقیة الله فی الارضین. ((قال الله تعالی: و ان هذا صراطی مستقیما فاتبعوه و لا تتبع السبل فتفرق بکم عن سبیلہ ذلکم و صیکم به لعلکم تتقون)) ((۱۹)). نصیحتی که به شما می‌نمایم، برگرفته و اقتباس از نصیحت و سفارش مرحوم علا-مه حلّی، به فرزندش، فخرالمحققین، قدس سرهما، می‌باشد ایشان از

بزرگترین علمای اسلام است که در همه علوم نقلی و عقلی از اساتید کم نظیرند آن بزرگوار در خاتمه کتاب ارزنده قواعد، به فرزندش، که او نیز از شخصیت‌های برجسته علمی و از مفاخر عالم علم و تحقیق و فضیلت است، سفارشات فرموده است. آن فقیه عظیم، فرزند جلیل خود را مخاطب قرار داده و بعد از دعای خیر، او را به تقوا و پرهیزکاری، که سپر نگهدارنده و وسیله پایدار و سودمندی است و انسان را برای قیامت آماده می‌نماید، وصیت می‌فرماید و به اطاعت اوامر خدا، آنچه موجب رضای او و دوری از آنچه نهی فرموده، دستور می‌دهد. از او می‌خواهد که عمرش را در تحصیل کمالات و کسب فضایل و صعود از پستی نقصان و نادانی، به اوج علم، کمال، مدارج معارف، آداب و مقامات انسانی و اعمال صالحه صرف نموده و اوقات خود را بیهوده تلف نسازد. از جمله این وصایا، احسان، مساعدت، کمک به برادران، قضای حوائج محتاجان و مقابله بدی به نیکی و تشکر و امتنان از نیکوکاران است. نیز او را به ترک صحبت و هم‌نشینی و معاشرت با مردم نادان و فاسدالاخلاق، سفارش می‌کند. و از طرف دیگر، فرزندش را به ملازمت محضر علما و مجالست فضلا، که سبب رفع جهل و موجب اخلاق حسنه است، توصیه می‌فرماید. به صبر و توکل، رضا و حسابرسی نفس و استغفار و پرهیز از ظلم، خصوصا به یتیمان و ضعفا وصیت می‌کند و می‌فرماید: خداوند در کیفر کسی که شکسته‌ای را برنجاند و ضعیف و افتاده‌ای را بیازارد، گذشت نمی‌فرماید. و بعد از آن می‌فرماید: در ادای نماز شب، مواظبت داشته باش که پیامبر عظیم‌الشان، صلی‌الله‌علیه‌وآله، بر آن ترغیب و تشویق فرموده است، آنجا که می‌فرماید: ((من ختم له بقیام اللیل ثم مات فله الجنة)) ((۲۰)). صله رحم و پیوند با خویشان را که سبب زیادتی عمر است انجام بده و در حسن خلق، هر چه می‌توانی اهتمام کن که پیامبر اکرم، صلی‌الله‌علیه‌وآله، می‌فرماید: ((انکم لن تسعوا الناس باموالکم فسعوهم باخلاقکم)) ((۲۱)). در پیوند با ذریه طیبه - فرزندان معصومین، سلام‌الله‌علیهم اجمعین، - سادات کرام و خدمت و احترام به آنها تلاش داشته باش که خداوند متعال در سفارش آنها تاکید فرموده و مودت و دوستی ایشان را اجر رسالت قرار داده است: ((قل لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی)) ((۲۲)). و حضرت ختمی مرتبت، صلی‌الله‌علیه‌وآله، فرمودند: ((من از چهار گروه، در روز قیامت شفاعت می‌کنم، اگر چه به مقدار گناهان اهل دنیا، گناه بیاورند: کسی که ذریه مرا یاری کرده باشد، شخصی که در تنگدستی مالش را به فرزندان من بذل کرده باشد، آن کس که اولاد مرا، به زبان و دل، دوست داشته باشد و شخصی که برای قضای حاجت‌های ذریه من، در وقتی که طرد شده و کنار گذاشته شده باشند، سعی و تلاش نماید)) ((۲۳)). و همچنین بر تو باد به تعظیم فقها و اکرام علما، که پیامبر عالی قدر اسلام، صلی‌الله‌علیه‌وآله، فرمودند: ((من اکرم فقیها مسلما لقی الله یوم القیامة و هو عنه راض و من اهان فقیها مسلما لقی الله یوم القیامة و هو علیه غضبان)) ((۲۴)). نگاه کردن بر عالم عبادت است، نظر به در خانه عالم عبادت است و مجالست و هم‌نشینی با عالم عبادت است. بر تو باد به تحصیل علم و فهم دین! مبادا علمی را که داری، از آنان که نیاز دارند، کتمان کنی و اظهارنمایی. در قرآن مجید است: ((آن کس که دانش خود را کتمان کند، خدا و همه لعنت کنندگان او را لعنت می‌کنند)) ((۲۵)). خصوصا اگر بدعتها ظاهر شود، واجب است بر عالم که علم خود را اظهار کند و بدعتها را دفع نماید و نگذارد که مردم گمراه شده، در اشتباه بیفتند. قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: ((اذا ظهرت البدع فی امتی فلیظهر العالم علمه فمن لم یفعل فعلیه لعنة الله)) ((۲۶)). توصیه حقیر، اضافه بر آنچه علامه حلی، رحمه‌الله‌علیه، فرموده، این است که یاد خدا را در هیچ حال فراموش مکن و خدا را چنان عبادت و پرستش کن که گویی او را می‌بینی و اگر تو او را نمی‌بینی، او تو را می‌بیند، ((عبدالله کانک تراه فان کنت لا تراه فانه یراک)) ((۲۷)). بر یاد او به دل و زبان مستمر و مداوم باش! یقینا خدا هم تو را یاد می‌نماید، ((فاذکرونی اذکرکم)) ((۲۸)). و از شکر نعمتهای او، اگر چه کسی از حق شکر آنها بر نمی‌آید، غافل مباش و از کفران نعمت و اینکه با نعمت خدا او را معصیت کنی، بر حذر باش که ((ولئن شکرتم لا زیدنکم و لئن کفرتم ان عذابی لشدید)) ((۲۹)). در معامله با مردم، طریق انصاف را رعایت کن! مبادا حقی را از کسی، اگر چه کوچک باشد، انکار کنی و تا بتوانی با



برادران دینی مواسات داشته باش! ((اشد الاعمال ثلاثة مواساءة الاخوان في المال و انصاف الناس من نفسك و ذكر الله على كل حال)) ((۳۰)). حق برادران و خواهران مؤمن و مؤمنه را رعایت کن! آسانترین آن، این است که برای آنها دوست بداری، آنچه را برای خودت دوست می داری، و ناخوش داشته باشی، آنچه را برای خود ناخوش می داری. و با آنها که از تو می برند، تو پیوند کن و آنها را که به تو ستم می کنند عفو کن! . پرهیز از خودبینی و غرور و تکبر و نظر حقارت به دیگران، ((الیس فی جهنم مثوی للمتکبرین)) ((۳۱)). به هیچ یک از بندگان خدا و برادران و خواهران ایمانی، به نظر کم قدری، نگاه مکن! شاید همان کسی که تو او را کم گرفته و کم می بینی، از اولیای خدا باشد. مظاهر دنیا و مقامات ظاهری، معیار، نشان قدر معنوی و حقیقی و شان اشخاص نیست که ((الا کثرون هم الاقلون یوم القیامة)) ((۳۲)). هر چه خود را در مقایسه با دیگران کمتر بشماری و تواضع بیشتر داشته باشی، به مقامات و درجات بالاتر نایل می شوی. امر به معروف و نهی از منکر، سعی و کوشش در اعلائی کلمه اسلام و تبلیغ مکتب اهل بیت، علیهم السلام، را که مکتب اصل و اصیل اسلام است، همیشه وجهه همت خود قرار بده و حب فی الله و بغض فی الله را در همه احوال و کارها مراعات کن! ((اوثق عری الایمان الحب فی الله و البغض فی الله)) ((۳۳)). بر راستی و صداقت، درستی و امانت و حفظ عهد و وفای به وعده که از موجبات مهم عزت دنیا و آخرت و اعتلا و اعتبار جامعه است، ملازمت و مداومت داشته باش که در حدیث است: ((به نماز و روزه بسیار شخص نظر نکنید، بلکه به صدق و راستی او در گفتار و ادای امانت او نظر کنید)) ((۳۴)) و از رسول اکرم، صلی الله علیه و آله و سلم، است که فرمود: امت من همواره در خیر هستند، مادامی که امانت را غنیمت و صدقه دادن را غرامت و خسارت نبینند، ((لاتزال امتی بخیر مالم ترالا مانئ مغنما والصدقة مغرما)) ((۳۵)). از دوستی با دشمنان خدا سخت پرهیز کن و در این سه آیه پیوسته تأمل کن! . ((لاتجد قوما یؤمنون بالله و الیوم الاخر یوادون من حادالله و رسوله و لوکانوا آباءهم او ابناهم او اخوانهم او عشیرتهم اولئک کتب فی قلوبهم الایمان)) ((۳۶)). ((قل ان کان آباؤکم و ابنائکم و اخوانکم و ازواجکم و عشیرتکم و اموال اقترتموها و تجارة تخشون کسادهما و مساکن ترضونها احب الیکم من الله و رسوله و جهاد فی سبیله فتربصوا حتی یتی الله بامرہ و الله لایهدی القوم الفاسقین)) ((۳۷)). ((تلک الدار الاخرة نجعلها للذین لایریدون علوا فی الارض و لافسادا و العاقبة للمتقین)) ((۳۸)). و تلاوت قرآن را ترک مکن که بر حسب روایات، قرآن، عهد خدا است و باید شخص در این عهد نظر کند و حداقل روزی پنجاه آیه از آن را قرائت نماید. از فایده و فضیلت تفکر در خلق آسمان و زمین، نفس خود و همه آیات الهی، که سبب مزید معرفت و خداشناسی و بیداری و آگاهی و ترقی روح و عقل می شود، هیچ گاه غفلت مکن که خداوند خردمندان را در قرآن به این صفت توصیف و تعریف نموده است و هم در قرآن می فرماید: ((و فی الا-رض آیات للموقنین و فی انفسکم)) ((۳۹)). مبادا از آنها باشی که از نظر به ظاهر این عالم، به باطن آن نمی رسند و به همین تماشا و سیرظاهری جهان اکتفا کرده، مشمول این آیه شریفه می شوند: ((و کاین من آیه فی السماوات و الارض یمرون علیها و هم عنهامعرضون)) ((۴۰)). و در توسل به حضرات معصومین، علیهم السلام، و حضور در مجالس ذکر فضایل و مناقب و مصایب ایشان، خصوصاً مجالس روضه و تعزیه حضرت سیدالشهدا، علیه افضل التحیه و الثنا، کوتاهی ننما و این مجالس را که متضمن کمال روح و تهذیب نفس و کسب ثواب و اجر بسیار و ازدیاد بصیرت و معرفت است مغتنم بشمار! . و خصوصاً یاد ولی نعمت حقیقی و آن آقایی که همه نعمت های الهی و فیوض ظاهریه و باطنیه، از برکت وجود مقدس او به ما می رسد، یعنی حضرت بقیه الله، مولانا المهدی، ارواحنا فداء، را فراموش ننما و تاملی توانی با گفتار و کردار خود خوشنودی و مسرت خاطر شریف ایشان را فراهم نما!، برای تعجیل فرج و ظهور آن حضرت و نزدیک شدن روزگار رهایی دعا کن و سعی کن که از منتظران حقیقی و متعهد آن حضرت باشی! . بر صلوات بر محمد و آل محمد، صلوات الله علیهم اجمعین، مداومت داشته باش! . و این حقیر فقیر سراپا تقصیر را از دعای خیر و طلب مغفرت، حیا و میتا، فراموش ننما! . فان الله یحب المحسنین و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین و صلی

اللّٰه علی سیدنا محمد و آله الطاهیرین . والسلام علیکم و رحمۃ اللّٰه . لطف اللّٰه صافی .

## سؤال ۷ = بهترین و مهمترین آرزو از خدای سبحان

### بهترین و مهمترین آرزو از خدای سبحان

بسم اللّٰه الرحمن الرحیم . محضر مبارک حضرت آیت اللّٰه العظمی آقای حاج شیخ لطف اللّٰه صافی ، مد ظله العالی . با سلام و تحیت ، خواهشمند است به سؤالات این جانب پاسخ دهید :

### سوال اول

اگر روزی قرار شد که خداوند متعال ، یک آرزوی شما را برآورده کند ، در این صورت بهترین و مهمترین آرزو و خواسته حضرت تعالی از خدای سبحان چه خواهد بود ؟ . بسم اللّٰه الرحمن الرحیم . نامه جنابعالی متضمن دو سؤال و درخواست پند و اندرز ، واصل شد سؤالها و درخواست ، کاشف از حسن نیت و بصیرت مذهبی و حیات وجدانی است حقیر ، این ضمیر و ایمان و اعتقاد را به شما تبریک گفته و از خداوند متعال برایتان دوام توفیق ، کمال ایمان و یقین ، مسالت می نمایم . اگر چه به واسطه کثرت مشاغل و قلت فرصت ، سعی بر این بود که در جواب ایجاز و اختصار رعایت شود ، ولی معنویت این مطالب و حلاوت و لذتی که برای روح انسان در تذکار و یادآوری آنها فراهم می شود ، خود به خود ، موجب بسط کلام می گردد ، به طوری که اگر عنان قلم کشیده نشود ، نفس هیچ گاه از بیان این معانی دلپذیر ، سیر نگشته و قلم از نوشتن آن باز نمی ماند ، ((والحمد لله الذی هدانا لهذا و ما كنا لنهتدی لولا ان هدانا الله )) ((۴۱)). اما پند و اندرز برای خودم و برای شما و همگان : اوضاع جهان و دگرگونی احوال مردمان ، و تغییر و تحولات در هر عصر و هر زمان ، بلکه در هر لحظه است که همه مشتمل بر پند و موعظه و معرفت آموز و هدایت بخش است ، هر ذره ای از ذات ، هر برگ درخت ، هر قطره باران ، هر سلول ، هر جنبنده و هر حیوان ، جماد ، نبات ، انسان ، کوه ، دریا ، ستاره ، منظومه و کهکشان و هر کدام و هر یک ، عالمی از حقایق و کتابی از معانی و معارف و راه و طریقی به سوی خداست سنت الهی لبس و خلع ، حیات و موت ، عوض شدن مظاهر و تازه شدن نعمتها و کهنه شدن نوها ، پیدایش ها و آغازها ، و فرجامها و پایان مهلتها و عمرها و انقراض دولتها ، برای خردمندان همواره بهترین موعظه بوده و هست ، ((ذلک بان الله هو الحق و ان ما يدعون من دونه الباطل و ان الله هو العلی الکبیر)) ((۴۲)). کدام نقطه و حرف و کلمه ای از کتاب آفرینش و کدام پدیده و مخلوق کوچک و بزرگ است که در آن آثار قدرت بی نهایت و حکمت و علم نامتناهی الهی مشهود نباشد ، و آدمیان غافل را با نهیب و هشدار از خواب غفلت بیدار نکنند و به اندیشه در عاقبت کار ، وادار نسازد و در برابر عظمت آفریننده یگانه و یکتای این جهان هستی ، خاضع و خاشع ننماید و به سجده نیندازد و زبانش را به توحید ، تهلیل ، تسبیح و تکبیر نگشاید و مثل مضامین این دعا را بر گوش جان او نخواند : ((اللهم انه فی السموات دورات و لا فی الارض حرکات و لا فی العیون لحظات و لا فی البحار قطرات و لا فی الا شجار ورقات و الا و هی لک شهادات و علیک دالوا فی ملکک متحیرات )) ((۴۳)). آری ، همه شواهد ، وجود خدا و دلایل علم و حکمت و قدرت اویند ، . برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقش دفتری است معرفت کردگار . ((ان نظرت الی الا شجار رایتها دفاتر سطرت علی اوراقها ادله وجوده اوالی البحار وجدتها زاخرا من بحر کرمه و جوده جمیع ما فی الکون ناطق بتسیحه و مجده و ان من شیء الا یسبح بحمده )) ((۴۴)). در حالی که تمام اجزا و اعضای جهان ، از اتم تا کهکشانها و هر جرم و کره ای که از آن بزرگتر یا کوچکتر نیست ، همه به قدرت الهی در حرکت و سیر و گردشند ، و این حرکت تکوینی در خود انسان و در اعضا و اجزای ذرات وجودش ، در جریان است ، همه با زبان بی زبانی ،

هشدار می دهند که در عرصه اراده و اختیار نباید از قافله حرکت باز ماند، باید حرکت کرد، به جلو رفت و سکون و توقف جایز نیست. حیف است که انسان این همه مواعظ و هشدارها را با گوش دل نشنود، و عمرش را به غفلت و بطالت و عبث و بازی تمام کند. در احادیث شریفه است که: ((هر کس دو روز او مساوی باشد، مغبون و زیانکار است و هر کس امروزش از دیروزش بدتر باشد، ملعون است)) ((۴۵)). هر چه می بینیم، همه به ما می گویند بهوش باشید که وقت می گذرد، فرصت از دست می رود، جوانی را پیری، تندرستی را بیماری و زندگی را مرگ و ممات در پی است، تا فرصت هست و توان دارید پیاخیزید و برای راهی که در پیش دارید و بسیار دور و دراز است، زاد و توشه فراهم نمایید، فراموش نکنید که امیرالمؤمنین، علیه السلام، می فرماید: ((کفی بذلک واعظا لمن عقل و معتبرا لمن جهل)) ((۴۶)). اما جواب سؤال اول، که اگر قرار باشد خداوند متعال یک آرزوی شما را برآورده کند، در این صورت بهترین و مهمترین آرزوی شما چیست؟ سؤال بسیار مهمی است که غیر از ائمه طاهرين، عليهم السلام، که راسخین در علم و معادن بصیرت و معرفت و کمالات عالیه و ملهم به الهامات خاصه ربانیه هستند، کسی نمی تواند جواب کافی و شافی از آن بدهد. نمی دانم از خدا با چنین شرطی که یک آرزو و حاجتم برآورده باشد، چه درخواستی بنمایم و کدام یک از حوایج خود را مسألت کنم؟ آیا از درگاه او ایمان ثابت، رضا و رضوان او را بخواهم؟ یا فرج و ظهور آقا، حضرت صاحب الامر، ارواح العالمین له الفدا، را مسألت نمایم؟ یا عرض کنم ((الهی اجعلنی کما تحب و کما ترید))؟ ((۴۷)). یا برای همه بندگان خدا، خیر و سعادت دنیا و آخرت و هدایت بخواهم و یا. ولی من خدا را باسطالیدین بالعطیه می دانم، می دانم که از خزاین رحمت و کرم او هر چه انفاق و بخشش و عطا شود، چیزی کم نمی شود همه دعاها را مستجاب می فرماید او فیاض مطلق است، ((لایشغله سمع عن سمع يعطی من سأله و يعطی من لم یسأله)) ((۴۸)) است کرم و عطای او محصور و محدود نمی شود، ((لاتنفذ خزائنه و لا تزیده کثرة العطا الا جودا و کرما)) ((۴۹)). او در کتاب کریمش و وحی نازل بر حضرت خاتم الانبیا، صلی الله علیه و آله، به همگان برای حضور در مشهد دعا، بار عام و اذن مطلق داده و با اعلان و بلکه فرمان ((و قال ربکم ادعونی استجب لکم ان الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین)) ((۵۰)) همه را به دعا مامور و باب استجاب آن را بر روی همه گشوده است. لذا من همه حوایجم را، که هر چه هستم و دارم، حاجت و نیاز است، از او می خواهم و رحمت واسعه و ربانیت و فیاض نامتناهی او را محدود و متناهی نمی شمارم و فخرم اینست که سرپای وجودم، فقر و حاجت به اوست و عزتم به اینکه کارساز و قاضی الحاجات اوست. ولی یادآور می شوم که دعاهاى بنسبت جامع و فراگیر مقاصد و مطالب، در ادعیه مرویه از حضرت رسول اکرم و اهل بیت معظم ایشان، صلوات الله عليهم اجمعین، بسیار است و چون همه، منتخب و گزیده است، نمی توان از آنها یک یا چند دعا را برگزید و انتخاب کرد. اگر بتوانیم از کتابهای معتبری که اصحاب ائمه، عليهم السلام، و علما و محدثین تالیف کرده اند، همه، فیض یابیم و بهره مند شویم، به خزاین بی شماری در هدایت و رحمت الهی دست خواهیم یافت. این دعاها علاوه بر آنکه متضمن بیان نیازمندی های حقیقی بشر و مسألت قضای حوایج، از حضرت قاضی الحاجات و سامع الدعوات است و خواننده را به فقر کامل و نیاز تمام او به خداوند غنی بی نیاز، متوجه می نماید، و به بهترین حالات معنوی و حضور و خشوع و خضوع و مقامات قرب و لذت انس با خدا نایل می نماید، درهای علوم و معارف و اخلاق کریمه و آداب فاضله را به روی او می گشاید. بیقین اگر راهنمایی آن بزرگواران، به این دعاها نبود، بشر نمی توانست مدارج بلند و معارج کمال یقین و ایمان را که در پرتو دعا و توجه به خدا فراهم می شود، طی نماید، این دعاها به ما می آموزد که خدا را چگونه و با چه اسما و صفاتی بخوانیم، و از او چه بخواهیم. این دعاها و بخصوص، دعاهایی که در قرآن مجید است، همه نور، ایمان، سیر الی الله و فراغت و خلاصی از علایق دنیه دنیویه و حظوظ نفس بهیمی، ارتقای به درجات ملکوتیه و خوض و غور در بحار رحمت و مغفرت و برکات حقیقیه است که امام زین العابدین، علیه السلام، در یکی از مناجاتهایش، به درگاه خداوند عرض می کند: ((یا من حاز کل شیء ملکوتا و قهر کل شیء جبروتا صل علی محمد و آل



محمد و اولح قلبی فرح الاقبال الیک والحقنی بمیادین المطیعین لک ((۵۱)). این دعا را که می خوانیم، می فهمیم که اگر ما خود می خواستیم از خدا چیزی بخواهیم، هرگز این مطالب بزرگ را نمی یافتیم، حاجت خود را به این مطالب و مراتبی که در این دعا است درک نمی کردیم و به همان طلب یک سلسله حوایج جسمانی و دنیایی، بسنده می کردیم. آن حضرت در جریان همین حال حضور و نیایش، دیگر باره چنین در درگاه خدا، زبان به دعای گشاید: ((یا من قصده الضالون فاصابوه مرشدا و امه الخائفون فوجدوه معقلا ولجا الیه العابدون فوجدوه موثلا متی فرح من قصده سواک بنیته و متی راحة من نصب لغیرک بدنه الهی قد تقشع الظلام و لم اقض من خدمتک وطرا و لامن حیاض مناجاتک صدرا صل علی محمد و آل محمد و افعل بی اولی الامرین بک یا ارحم الراحمین)) ((۵۲)). دعاهاى صحیفه مبارکه علویه و صحیفه کامله سجادیه و صحیفه ثانیه و ثالثه و رابعه و سایر ادعیه ماثوره، از اهل بیت، علیهم السلام، همه مشتمل بر مضامین جامع، معرفت آموز، بصیرت افزا و تربیت بخش است، روح را نشاط می بخشد، قلب را جلا و صفا می دهد، تیرگیها را می زداید و به شوق و اشتیاق شخص، برای سیر در عوالم معنا و حقیقی می افزاید. از دعاهاى جامع، طلب توفیق، عافیت، مقام یقین، تفویض، تسلیم، توکل و رضا است. در دعاهاىی مثل دعای مکارم الاخلاق، آنچه فطرت پاک و نیاز واقعی دعاکننده است، از خداخواسته می شود و در همه آنها، انسان، هر کس و هر شخصیت و صاحب هر مقام و فضلیتی که باشد، خود را ناچیز و سراپا فقر و احتیاج می بیند، در برابر خداوند غنی بالذات و کامل بالذات، تا می تواند عرض حقارت و ضعف و مسکنت می نماید با این حال خود را قوی و قدرتمند و پیروز و شکست ناپذیر می سازد و با سلاح دعا، خود را در مقابل خطرناک ترین تیرهای حوادث مسلح می کند. اهل دعا را توفان های بلا بیچاره نمی نماید و سختی ها و شداید از پای در نمی آورد، یاس و ناامیدی بر آنها چیره نمی شود، رجا و امید آنها به خدا و حول و قوه خداست، با مثل این دعا: ((اللهم انی اسالک ایمانا تباشر به قلبی و یقینا صادقا حتی اعلم انه لن یصینى الا ما کتبت لی و رضنی من العیش بما قسمت لی)) ((۵۳)) مقاوم و توانا، با سر پنجه ایمان و یقین، بر همه مشکلات فایق می شوند و از مواضع ایمانی خود عقب نشینی ندارند، ((حسبنا الله و نعم الوکیل)) ((۵۴)) و ((افوض امری الی الله)) ((۵۵)) و ((انا لله و انا الیه راجعون)) ((۵۶)) و ((لا حول و لا قوة الا بالله)) ((۵۷)) همه نقاط ضعف آنها را به قدرت مبدل می نماید، یا مثل این دعا، به لفظ کوتاه و مختصر و به مضمون جامع و پر از معنا و معرفت، که بر حسب روایات حضرت رسول اکرم، صلی الله علیه و آله و سلم، به دخترش، سیده نسا العالمین، تعلیم داد: ((یا حی یا قیوم برحمتک استغیث لا تکلنی الی نفسی طرفه عین و اصلح لی شانی کله)) ((۵۸)) دعا کننده، خود را در حفظ و حراست خدا و در حمایت عنایت او می بیند و از هر کمی و کاستی و ضرر و زیان، بی بیم و هراس می شود. اصلا-دعا و خواندن خدا، خودش و حقیقتش، از حوایجی که می خواهم مهم تر و فیض بخش تر است همه چیز و همه حوایج، کوچک و بزرگ، حقیر و کبیر را، باید از خدا خواست که آنچه در آن خواستن و خواندن است، عین اجابت و به مطلب رسیدن است. خوشا به حال بخت یارانی که همواره با دعا با او در ارتباط و راز و نیازند و بدا به حال آنهایکه از توفیق دعا و لذت دعا بی نصیبند، حقیقت عبادت و پرستش خدا، دعا است. قال الله تعالی: ((و قال ربکم ادعونی استجب لکم ان الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین)) ((۵۹))، ای، یستکبرون عن دعائی. در حدیث است: ((الدعا مخ العبادة)) ((۶۰))، دعا مخ و مغز عبادت است. و هم در روایات شریفه است که از حضرت صادق، علیه السلام، سؤال شد که دو نفر با هم شروع به نماز کردند و با هم از نماز، فراغت یافتند یکی از آنها دعایش در نماز بیشتر بود و دیگری قرائتش، فضیلت کدام بیشتر است؟ فرمود: هر دو با فضیلت است سؤال کننده عرض کرد: می دانم هر دو با فضیلتند، کدام افضل است؟ فرمود: آنکه دعایش بیشتر است، افضل است، ((هی والله العبادة هی والله العبادة هی افضل)) ((۶۱)). از خداوند متعال، مسالت می نمایم که دلهای ما را به انوار شوق و علاقه به دعا منور فرماید و حال اقبال به دعا به ما عطا فرموده، همواره و در همه حالات، ما را از برکات دعا مستفیض فرماید و بخصوص با توفیق دعا برای حضرت بقیة الله، ولی عصر، ارواح العالمین له

الفدا، و طلب تعجیل در فرج و ظهور آن حضرت، ما را قادران نعمت ولایت آن صاحب زمان و ولی دوران، قرار دهد.

## سوال دوم

انشا الله، اگر خدای سبحان در عالم قیامت به جنابعالی مقام شفاعت عنایت نمود، آیا بنده را شفاعت خواهید کرد یا خیر؟ و در خاتمه، ضمن تقاضای پند و اندرز، از جناب عالی استدعا دارم که جواب را با دستخط شریف و مهر مبارک، مزین فرمایید. اما در مورد سؤال دوم، اولاً، امید دارم شخص شما با این روحیه ایمانی پاک و ولایت اهل بیت، و علیهم السلام، که با الزام به تکالیف شرعیه توأم است، از شفعا باشید، زیرا بر حسب روایات، مؤمنین نیز در قیامت از شفعا هستند. ثانیاً، همه، چشم امید به شفاعت کبرای حضرت رسول اکرم، صلی الله علیه و آله و سلم، و اهل بیت طاهرین آن حضرت، و علیهم السلام، داریم اگر بتوانیم رابطه خود را با آن بزرگوار نگاه داریم و با آن به عالم دیگر برویم، هر چند شفعا در روز قیامت بسیارند - که از آن جمله، شفاعت علما، که پاسداران واقعی دین و احکام و مدافع از حدود و ثغور اسلام و جنود حضرت صاحب الامر، علیه السلام، هستند، و آنچه موقعیت درخشان و جلوه خاصی دارد، همان شفاعت محمد و آل محمد، صلوات الله علیهم، است که شیعیان و مؤمنان را به سر منزل نجات و علو درجات نایل می نماید و با این شفاعت جا دارد که بگوییم: طوبی که خورد آب ز سر چشمه کوثر فارغ بود از تربیت باد بهاری امثال شما مؤمنان متعهد را چه حاجتی به شفاعت مثل این بنده حقیر سراپا تقصیر، می باشد، که اگر هم از شفاعت به سهمی مفتخرم سازند، آن هم به شفاعت محمد و آل محمد، صلوات الله علیه و علیهم، است. بر حسب احادیث شریفه، در صورتی که موانع شمول شفاعت در اشخاص نباشد، صاحبان درجات عالی و اعلا، از صاحبان مراتب پایین تر و ادنا، شفاعت می نمایند این شفاعت نه فقط در ارتباط با عفو از گناهان است، بلکه شامل اخیار و محسنین نیز می شود و بر علو درجات و کثرت اجر و ثواب آنها می افزاید. لذا بر حسب اطلاق روایات، حضرت رسول اکرم، صلی الله علیه و آله و سلم، از کل افرادی که مانعی از شفاعت از آنها نباشد، شفاعت می فرماید، از عصات و گناهکاران امت، از اخیار و صدیقین و شهدا و صالحین و بلکه انبیا و ائمه طاهرین، علیهم السلام. شفاعت از گناهکاران، موجب بخشش و عفو آنان و [شفاعت] از دیگران موجب ارتقای مرتبه و تقرب بیشتر می گردد، به این معنا، شفاعت حضرت رسول اکرم و ائمه طاهرین، علیهم السلام، همه شخصیت ها و صاحبان مقامات بلند و همه مؤمنین را شامل می شود و وسایل و اسباب شفاعت از عصات نیز بقدری فراگیر است که حتی نام آنها را نیز فرا می گیرد، و در صورت ضرورت، کسانی که به نام محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و نام گذاری شده اند نیز شفاعت، شامل حال آنها می گردد. و راستی جای تعجب است اگر با این همه شفعا، خصوصاً شفاعت کبرای حضرت شفیع الامه، بلکه چنانکه گفته شد، شفیع الانبیا و شفیع الملائکه، - پیامبر عظیم الشان اسلام، صلی الله علیه و آله و سلم، - و شفاعت اهل بیت آن حضرت، صلوات الله علیهم اجمعین، و با این همه اجر و ثواب هایی که برای انواع عبادات و طاعات و اعمال خیر و صنوف کارهای نیک و بر مقرر شده و با این که باب توبه مابین مشرق و مغرب بازاست و با وسایل دیگری که همه موجب ظهور رحمانیت و رحیمیت و مغفرت و بخشش خداوند متعال است، شخص، گرفتار تیه شقاوت و سقوط در هاویه عذاب و هلاکت گردد و اگر چه شخصی قلیل المعرفت گفت: ((عجبت لمن نجی کیف نجی))، سخن حق و کامل و تمام آن است که امام، علیه السلام، فرمود: ((عجبت لمن هلک کیف هلک))، ((۶۲)) زیرا نجات یافتن و سعادت مند شدن، حق، است و می باید که انسان سعید و رستگار شود و شقاوت و محروم شدن از فیض خدا، باطل و خلاف اصل است. باید انسان، خود را در مسیر کسب این همه فیوضات ربانیه قرار دهد و راههای تابش آفتاب رحمت حق را بر روی خود نبندد و همواره از اینکه گناه، او را به سیاه چالی بیندازد، که بیرون آمدن از آن ناممکن شود، بیمناک باشد و از سؤ عاقبت و استدارج، همیشه بر حذر باشد و آیه زیر را که نتیجه استمرار در معاصی و گناه را تکذیب و استهزای به آیات خدا را

اعلام می کند، فراموش ننماید، ((ثم كان عاقبة الذين اسؤا السواى ان كذبوا بايات الله و كانوا بهايستهزون )) ((۶۳)) تا خود را به سؤ اختیار خود، در هلاکت حقیقی نیندازد، نه به رحمت خدا و مغفرت او مغرور گردد و نه از آن مایوس و ناامید شود. و بطور خلاصه، در بین تمام عوامل بسیار نجات، و اسباب هلاکت و دمار، باید بین خوف و رجا به سوی رضوان خدا و سعادت دنیا و عبا، هشیار و آگاه به جلو رفته، از شر شیطان و نفس اماره، به خداوند متعال، پناه برد. ((ولا حول و لا قوة الا بالله العلى العظيم و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمين)). لطف الله صافی.

### سؤال ۸ = راهنمایی جوانان مشرف به تکلیف

محضر مبارک بزرگ مرجع جهان تشیع، حضرت آیت الله العظمی صافی (دامت برکاته). با سلام و عرض خسته نباشید و آرزوی قبولی طاعات آن مرجع عزیز به درگاه حضرت حق تعالی! خواهشمند است با رهنمودهای حکیمانه خویش، نوجوانان مشرف به تکلیف را راهنمایی فرمایید. از لطف شما صمیمانه سپاسگزاریم. مستدام باشید، انشا الله. بسم الله الرحمن الرحيم. فرزندان عزیز و نوباوگان گرامی که به سن بلوغ و شرف صلاحیت توجه تکالیف الهی و خطابات قرآنی نایل شده اید! حقیر به شما درک این شایستگی را تبریک می گویم. توجه داشته باشید، از این تاریخ، شما به عضویت در جامعه اسلامی پذیرفته شده اید که روی اخلاق شما و گفتار شما و نیز کار شما حساب می شود و خداوند به شما نشان و اعتبار عطا فرموده است، که در همه آیات ((يا ايها الذين آمنوا))، ((۶۴)) به عنوان طرف خطاب و سخن او قرار می گیرید و در جامعه نیز شما به همان اعتبار مهمی که شرع مقدس ارزش و اعتبار داده، ارزش دارید. کار و سخن شما که تا پیش از این اعتبار شرعی و قانونی نداشت، اکنون اعتبار شرعی می یابد، تا امروز، دیگران درباره شما تصمیم می گرفتند و صاحب اختیار شما بودند، ولی از امروز، خود، صاحب اختیار خودتان، می شوید، از امروز محکوم به حکم کسی نیستید، جز به حکم خدا و پیامبر و ائمه معصومین، علیهم السلام. عقاید خود را به توحید، نبوت، امامت، معاد و به کتابها و پیمبران گذشته و ملائکه، با دلایل هر چند مختصر و در عین حال قوی و محکم، در ذهن خود حاضر کنید، و سعی کنید که به حول و قوه الهی، برای خداوند متعال بنده ای صالح و برای پیامبر اکرم، صلی الله علیه و آله، پیروی راستین و برای ائمه طاهرین، صلوات الله علیهم اجمعین، بخصوص صاحب الامر و ولی عصر، حضرت مهدی، حجة بن الحسن، ارواح العالمین له الفدا، شیعه مخلص و سربازی حقیقی، برای اسلام و قرآن پاسداری امین و برای همه مؤمنین و مؤمنات برادر یا خواهری غمخوار و مهربان باشید، و حقوق همگان مخصوصا حق پدر و مادر و اساتید و علما را رعایت کنید و کوتاه سخن آنکه خود را به اخلاق کریمه اسلامی آراسته سازید و در نیکی به خلق و قضای حوایج مردم اهتمام نمایید، در علم و عمل و کسب معرفت و دانش، هر چه پیش می روید و به هر مقام و درجه ای که می رسید، در آن درجه متوقف نشوید و به کمال بیشتر و مقامات بالاتر نظر داشته باشید، از نعمتها و امکاناتی که برای ترقی دارید، حداکثر استفاده را بنمایید. از امروز قدر و ارزش عمر و فرصتها و حتی دقایق زندگی را بدانید مبدا بیهوده تلف شود! هر یک از شما، چنان بدانید که باید شخص شما و باز هم شخص شما برای اسلام و برای امت اسلام، افتخار آفرین و موجب عزت و عظمت گردد. اوقات خود را به بطالت، سستی، غفلت و خدای نخواستگشته اشتغال به مناهی و ملامتی ضایع نسازید. در جهاد با نفس و هوای نفسانی، که جهاد اکبر است، کوتاهی نکنید و سعی کنید بر غرایز خود مسلط باشید. چنان باشید و چنان بروید که در آینده، از یاد گذشته شاد و خوشحال شوید و سوابق خوب زندگی همیشه موجب اطمینان و آرامش قلب شما باشد. عزیزان من! تکلیف، یعنی این گوی و این میدان، این شما و این همه فرصتهای سعادت بخش، این نیروها و استعدادهای خداوندی، تکلیف، یعنی ورود به دوره سازندگی، خودسازی، مسؤولیت و ورود در امتحانات الهی و سرآغاز آمادگی برای سیر راه تکامل و تعالی، تکلیف، یعنی زندگی آگاهانه و خردپسند. شما خود را برای این زندگی آماده سازید و خود را به هیچ چیز و به هیچ کس و به

هیچ قیمت، جز به خدا و به ثواب خدا نفروشید. ((فلیس لا نفسکم ثمن الا الجنة فلاتتبعوها الا بها))، ((۶۵)). امیرالمؤمنین، علیه السلام، می‌فرماید: برای نفس شما قیمتی جز بهشت نیست، جانتان و خودتان را غیر از بهشت، به چیز دیگری، نفروشید. تلاش کنید که در هر رشته و شغلی که انتخاب می‌کنید برای جامعه عضوی مفید و امین باشید، چنان بدانید که همه به سعی و تحصیل و تلاش شما نیازمندند، باید به سهم خودتان این نیازمندیها را برطرف نمایید. خدا را هیچگاه فراموش نکنید و از یاد خدا و دعا و عبادت، بخصوص نماز و توسل به ائمه هدی، علیهم السلام، و زیارت مشاهد مشرفه، نیرو بگیرید، به سوی سعادت و کمال پیش بروید و به لطف و کمک و مدد خداوند امیدوار باشید که در قرآن مجید می‌فرماید: ((والذین جاهدوا فینا لنهدينهم سبلنا و ان الله لمع المحسنين)) ((۶۶)). خداوند متعال همه شما را از یاران و سربازان واقعی حضرت بقیة الله الاعظم، ارواح العالمین له الفدا، قرار دهد و بر توفیقات شما بیفزاید. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته. لطف الله صافی.

### سؤال ۹ = مبارزه با نفس اماره

باسمه تعالی. محضر مقدس مرجع تقلید شیعه، آیت الله العظمی آقای صافی گلپایگانی. با سلام! اینجانب از اوایل دوره جوانی، در راه مبارزه با نفس اماره گام برمی‌دارم، ولی گاهی در راه این جهاد بزرگ، ناموفقم نفس اماره مرا به کارهای زشت وامی‌دارد و وجدان من پس از ارتکاب گناه، بسیار ناراحت و نگران می‌گردد. خواهشمند است با کلامی پیامبرگونه، به من پشت گرمی دهید و یارم باشید قبلاً از شما متشکرم. بسم الله الرحمن الرحیم. روی ان رسول الله صلی الله علیه و آله، قال: ((خیر امتی من هدم شبابه فی طاعة الله و فطم نفسه عن لذات الدنيا و توله بالآخرة ان جزاه علی الله اعلی مراتب الجنة)) ((۶۷)). فرزند عزیزم! نامه شکواییه شما را خواندم اگر بیشتر مردم، شکایت از دیگران و از جریانهای بیرون از خود دارند، شما شکایت از خود و درون خود دارید که معلوم می‌شود با نفس خود و هواهای نفسانی و شهوانی درگیرید یا به عبارت دیگر با آنها در جنگ و جهادید و در جهاد اکبر - که به فرموده رسول اکرم، صلی الله علیه و آله وسلم، همان جهاد با نفس است - دشمن را قوی پنجه و نیرومند می‌بینید و از آن بیم دارید که بر او، خدای نخواست، پیروزی و ظفر نیابید. من به شما اطمینان می‌دهم که اگر در برابر این دشمن مقاومت کنید و عرصه را بر او تنگ نمایید و از آغاز به پیشنهاد و خواسته‌های او گردن نهدید، سرانجام بر او غالب شده و او اسیر و رام شما خواهد شد. ولی اگر به خواسته‌های او جواب مثبت بدهید، خواهشهای آن بسیار و بی شمار است و هر چه از او فرمان ببرید، او فرمانهای دیگر و بیشتر می‌دهد و تا شخصیت انسانی و کرامت آدمی را نابود نکند و او را از مقام خود، ساقط نسازد، قانع نمی‌شود. دوران جوانی، دوره و میدان چنین جهاد و پیکاری است و باید شخص اراده، مقاومت و پایداری خود را نشان بدهد البته همه کس حریف نفس اماره نیست، پهلوانان حقیقی می‌توانند در این میدان عرض وجود نموده و جایزه قهرمانی بگیرند. شما و هر نوجوان و جوانی، خواه و ناخواه، این زورآزمایی و این امتحان بسیار بزرگ را باید بگذرانید، یاد خدا را فراموش نکنید و از او کمک بخواهید که خود وعده فرموده: ((والذین جاهدوا فینالنهدينهم سبلنا و ان الله لمع المحسنين))، ((۶۸)) کسانی که در راه خدا جهاد می‌نمایند، البته خدا آنان را به راهی که به او می‌رسد، راهنمایی می‌نماید و خدا با نیکوکاران است. این معنویت و روحیه ای که دارید - که به وضع روحی و درگیری عقل و نفس خودتان متوجه هستید و می‌خواهید که نفس را مغلوب کرده و خود را از آفات هوای نفس سالم نگاهدارید - خود مرحله ای از کمال و آگاهی و بصیرت و بینش است امید است همین آگاهی، شما را از این گرداب - که بسیاری از جوانان در آن گرفتار می‌شوند - و از امواج و توفان شهوات نجات دهد. این کار، اگر چه در آغاز دشوار جلوه می‌کند، ولی وقتی انسان با هوای نفس مقاومت نموده و از آن پیروی نکرد، بسیار آسان می‌شود. سعی کنید با اشخاص مجرب و مؤمن مجالست کنید، در جلسات موعظه و سخنرانیهای مذهبی شرکت کنید، کتابهایی مانند معراج السعادة، حیاة القلوب و عین الحیات را مطالعه نمایید و با دعا و نیایش به درگاه خدا و

خواندن دعای کمیل، دعای ندبه، توسل به حضرت ولی عصر، ارواح العالمین له الفدا، خود را برای جهاد با نفس، مسلح کنید. امیدوارم پیروز، سعادت‌مند و موفق شوید و آینده بسیار روشنی پیش روی داشته باشید. حقیر هم برای توفیق شما و سایر جوانان دعا می‌کنم و از شما التماس دعا دارم. لطف الله صافی.

### سؤال ۱۰ = راهنمایی در آغاز سال تحصیلی

محضر حضرت آیت الله العظمی آقای صافی. با سلام! خواهشمندست در آغاز سال تحصیلی جدید، دانشجویان و دانش آموزان را با رهنمودهای خویش، راهنمایی فرمایید. با تشکر. بسم الله الرحمن الرحیم. قال رسول الله، صلی الله علیه و آله و سلم،: ((الا ان الله يحب بغاة العلم)) ((۶۹)). دانش آموزان و دانشجویان عزیز، فرزندان اسلام. سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما، که با شور و شوق فراوان از سال فرخنده و مبارک تحصیلی جدید استقبال نموده، و گشایش درهای مدارس و دانشگاهها و مراکز تعلیم و تربیت را فتح باب ترقی و تعالی و کمال می‌دانید. در حدیث آمده است: تخلقوا باخلاق الله، ((۷۰)) یعنی به اخلاق خدا، خود را خلق و خوی دهید و خود را به صفات خداوند آراسته سازید. در بین صفات خداوند متعال، صفت علم، اشرف صفات و اسم العالم، اعظم اسمای صفاتیه است بیشتر اسما و صفات جمالیه و جلالیه، به این اسم و اسم القادر و صفت قدرت برمی‌گردد بنابراین تزیین به زینت و زیور علم و آراسته شدن به این صفت، از اخلاق دیگر بالاتر و ارزنده تر است. نشان یافتن و نشان داشتن از خدا، همان دارا بودن اخلاق کریمه الهی است که مهمترین و سرآمد آنها علم و قدرت، دانایی و توانایی است این دو صفت با هم ملازمت و مصاحبت ضروریه و تنگاتنگ دارند و افتراق آنها از یکدیگر ممکن نیست. هر کجا دانایی باشد، توانایی هست و هر کجا توانایی باشد، دانایی هست پس در میان آنچه بشر جست و می‌جوید و مطالب و خواسته‌هایی که دارد، خواسته و مطلوبی از علم بالاتر نیست که هر چه طالب آن، به مطلوب می‌رسد، باز طلبش بیشتر و به مطلوب واصلتر می‌شود. قال مولانا امیرالمؤمنین، علیه السلام: ((کل وعایضیق بما جعل فیہ الاوعا العلم فانه یتسع)) ((۷۱)). دانش آموزان و دانشجویان عزیز: فرصت را غنیمت بشمارید، درس بخوانید تا آگاهی و معرفت پیدا کنید درس بخوانید تا خودتان و جامعه و اسلام را عزیز و سربلند کنید درس بخوانید تا خودتان و دیگران را از ظلمت جهالت نجات دهید. درس بخوانید، برای اینکه مشکلاتی را که در رشته‌های گوناگون علمی تاکنون لاینحل مانده، حل نمایید و با سرپنجه بینش و دانش گره‌های باز نشده از کار بشر را باز نمایید درس بخوانید تا دانشمند شوید، بفهمید شما از دیگران در استعداد و نیل به مدارج عالی کمال و معارج سامیه ابتکار و اختراع کمتر نیستید، بلکه قوی تر و رشیدترید در اسباب و وسایل ظاهری، هیچ وسیله‌ای بر غلبه و پیروزی براستکبار و استبداد قوی تر از علم نیست. بدانید که دنیا و آینده آن برای ملتهای عالم و دانا است، و این شماست که باید ملت اسلام را به مجد و عزت دیرین و بیشتر از آن برسانید، همتها را بلند کنید نیل به همه مدارج علمی را قابل تحصیل بدانید. خداوند متعال به بشر و این مخلوق هنوز هم ناشناخته، لیاقت تسخیر کاینات زمینی و آسمانی را عطا کرده، یا به بیان دیگر، آنها را مسخر او گردانیده است. به پیش بروید و اسرار کاینات و آیات علم و قدرت خدا را کشف کنید عزت و قوت و استقلال و هرچیز خوبی که فطرت سالم و پاک بشر، طالب آن است، با علم فراهم می‌شود و ذلت و ضعف و زبونی، نتیجه جهل و ناآگاهی است. خود را برای اسلام و برای اعلائی کلمه الله و برای حصول اهداف الهی، قرآنی و برای خدمت به محرومان و نجات مستضعفان آماده سازید و هر رنج و تلاشی را که در تحصیل علم متحمل می‌شوید، بانیت خالص و پاک آن را فی سبیل الله و در راه خدا و راه آسایش خلق خدا محسوب دارید، تا از اجر و ثواب بسیار برخوردار شوید. بدانید که همه در انتظار شما هستند خداوند متعال از شما سعی و عمل و مجاهدت می‌خواهد. اسلام و پیامبر عظیم الشان در انتظار تحصیلات دبستانی و دبیرستانی و دانشگاهی، و بعد هم تحقیقات علمی شما هستند. ائمه طاهرین، علیهم السلام، بخصوص حضرت بقیه الله، امام



عصر، ارواح العالمین له الفدا، از شما انتظار دارند. نظر همه و تمام جامعه به این مراکز علمی و کلاسهای تعلیماتی و درس دوخته شده که شما چگونه عمل می کنید و چگونه تلاش می کنید و چگونه خود را برای خدمت به انسانها آماده می نمایید؟ . مراکزی که در آن آموزش می بینید، آموزگار، دبیر، استاد و مدیر همه باید برای اینکه تحصیلات و زحمات شما بیشترین بازده را داشته باشد، خالصانه مساعدت و کمک نمایند. سعی نمایید چنان باشید که از فهم و بینش بیشتر و آگاهی زیادت لذت ببرید، اوقات خود را به بطالت معاشرتهای بیهوده و بعضی بازیها و مسابقات بیهوده، که کمالی از آن نه برای روح و نه برای جسم حاصل نمی شود، و ارزش حقیقی انسانها را بالا نمی برد، تلف نکنید. در پی کسب کمالات حقیقی و سیر الی الله باشید. آیه کریمه: ((افحسبتم انما خلقناکم عبثاً))، ((۷۲)) ((و ما هذه الحیاء الدنيا الا لهو ولعب)) ((۷۳)) و مضامین بلند تعالیم نورانی قرآن را فراموش نکنید از ملامی و مناهی پرهیز کنید و از سرگرم شدن به بازیهای وقت بر باد ده خود را دور نگهدارید بعضی از بازیها موجب افت تحصیلی جوانان و دانش آموزان می شود گرچه با نام تقویت فکر و ذهن باشد. اگر می خواهید در تحصیل کمالات حقیقی موفق شوید و اگر مدرسه و محیط خانواده علاقه به توفیق شما دارند، همه باید در دور بودن از ملامی و مناهی، با شما همراهی و همکاری نمایند. و خلاصه تلاش کنید عمر، وقت، حیات و فرصتهایی را که دارید و همه خواه و ناخواه از دست خواهید رفت، به رایگان با بهای کم از دست ندهید برای این نعمت های بزرگ الهی، بها و ارزشی، غیر از علم، معرفت، رضای خدا، ثواب خدا و سیرالی الله نیست، که حضرت امیرالمؤمنین، علیه السلام، می فرماید: ((الا حریدع هذه اللماظة لا هلهها انه لیس لا- نفسکم ثمن الا- الجنة فلا تتبعوها الا بها)) ((۷۴)). خود را متعهد بدانید و متعهد بسازید که از کارهای زشت و ناشایست و حرام اجتناب کنید و واجبات و فرایض را انجام دهید و مخصوصاً به نماز، که معراج مؤمن است، اهمیت بدهید در جمعه و جماعات شرکت نمایید و وقار دانش آموزی و دانشجویی را پاس دارید، و خداوند متعال را در همه حالات فراموش نکنید و درس و تدریس و تعلیم و تعلم را برای رضای او و اتصاف به صفت الهی علم قرار دهید، از او استعانت و کمک بخواهید. و به مولی الوری، حضرت بقیه الله، مولانا المهدی، ارواح العالمین له الفدا، متوسل باشید و بدانید که وجود مقدس و بزرگوار آن حضرت، که امروز در این عالم، آیتی اعظم و اکبر از وجود او برای خدا نیست، از موفقیتی که نصیب شما می شود، بیشتر مسرور و خوشحال می گردند. همه شما فرزندان روحانی آن حضرت هستید و آن حضرت بیش از هر پدری توفیق فرزند را در علم، و عمل و کسب کمال، دوستدار و خواهانند. اینجانب برای همه شما و عظمت بیشتر اسلام دعا می کنم و توفیق نظام اسلامی خصوصاً مسؤولان محترم آموزش و پرورش و دانشگاهها و مراکز علمی را برای تعلیم و تربیت جامع و اسلامی مسالت می نمایم. والسلام علیکم و رحمۃ الله و برکاته. لطف الله صافی.

### سؤال ۱۱ = خودکشی و عواقب آن

محضر حضرت آیت الله العظمی آقای صافی. با سلام، چون خودکشی در منطقه ما، بخصوص در بین زنان زیاد شده است، نظر مبارک را پیرامون این عمل زشت و عواقب آن بیان فرمایید. متشکرم. خودکشی از محرّمات کبیره و عامل آن، مرد باشد یا زن، مستحق عقوبت و عذاب شدید الهی است و اگر شخص، مجنون و مختل الحواس نباشد، این گناه علامت ضعف عقیده به مبدا و معاد و نداشتن صفت صبر و مقاومت در برابر شدايد و دشواریهای زندگی و نومیدي از خداوند متعال است. بیشتر افرادی که مرتکب این معصیت می شوند، یا اسیر یک سلسله اوهام و خیالاتند که از یک جهت شکستهای، که در واقع شکست نیست، مثل شکست در بازیها یا بالاتر زناشوییها و ازدواجها، دست به این عمل می زنند، یا در اثر فشارها و سختیهای زندگی خودکشی می نمایند. بطور کلی به این اشخاص باید تذکر داد که دنیا همه اش فراز و نشیب و تغییر و تحول است و اشخاصی در زندگی واقعا شکست می خورند، که روحیه صبر و مقاومت نداشته باشند و با یک پیش آمد و یک امر نامالایم و ناگوار، روحیه

خود را بیازند و خود را بیچاره بشمارند افراد موفق که بر مشکلات فایق می‌شوند، به اراده و همت و عزم خود اعتماد دارند و با توکل به خداوند متعال، بر مشکلات صابرند و با قلب محکم و استوار و امید به آینده با هر پیش آمد ناگوار، دست و پنجه نرم می‌کنند. تاریخ بشر پر است از فرج بعد از شدت و گشایش و رفاه و توانگری بعد از تنگی و گرفتاری و فقر، مردان و زنان موفق از هیچ حادثه‌ای تکان نمی‌خورند و عقب نشینی نمی‌کنند، به فضل و لطف خدا اعتماد دارند و این آیه را با مضمون بلند آن همواره به خاطر دارند که ((فان مع العسر يسرا، ان مع العسر يسرا))، ((۷۵)) آسانی‌ها از میان دشواریها رخ می‌دهند و روشناییها بر تاریکیها غلبه می‌یابند. باید این افراد را به صبر سفارش کرد که صبر از ایمان، به منزله سر، در جسد است ((۷۶)) امید است این نصیحت در قلوب، مؤثر و نافع باشد والله العالم. لطف الله صافی.

### سؤال ۱۲ = نصیحتی برای تمامی جوانان ایران

محضر مرجع محبوب، آیت الله العظمی صافی گلپایگانی. خواهشمندم نصیحتی برای بنده و تمامی جوانان ایران بیان فرمایید. بسم الله الرحمن الرحيم. جنابعالی و همه جوانان عزیزی را که قلوب آنها به نور اسلام منور است، وصیت می‌کنم به تقوا و آداب و دستورات دینی و اینکه در تمام مراحل زندگی، دین خود را فدای چیزی ننمایید که خسارت می‌بینید، بلکه همه چیز خود را فدای دین بنمایید. موفق باشید. لطف الله صافی.

### سؤال ۱۳ = نصیحتی مفید برای دنیا و آخرت

بسم الله الرحمن الرحيم. محضر مبارک فقیه عالی مقام، حضرت آیت الله العظمی آقای صافی. با سلام! خواهشمند است این جانب را با نصیحتی که مفید دنیا و آخرت باشد، رهنمون شوید. با آرزوی سلامتی و طول عمر. السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته. با اعلام وصول مکتوب شریف، متضمن درخواست نصیحت، نظر به اینکه حق مؤمن بر مؤمن نصیحت و خیرخواهی برای اوست، تذکرات ذیل را تقدیم داشتم امید است به حکم ((فان الذکری تنفع المؤمنین)) ((۷۷)) مقبول و نافع شود. بهترین مطلبی که خودم و شما و همه برادران و خواهران ایمانی را بدان نصیحت می‌کنم، تقوا و پرهیزکاری است، ((فانه خیر ما اوصی به المسلم المسلم)) ((۷۸)). به شما رهرو جوان مؤمن نصیحت می‌کنم قدر نعمت گرانبهای جوانی را بدانید و توان و فرصتی را که خداوند متعال، جلت حکمت، به شما عطا کرده است، غنیمت بشمارید و بیشترین استفاده را از این دور و روزگار طراوت و نشاط زندگی بنمایید. بر حسب وصیت حضرت رسول اکرم، صلی الله علیه و آله و سلم، به جناب ابی ذر، رضوان الله علیه، پنج چیز را بیش از پنج چیز باید غنیمت شمرد که اول جوانی پیش از پیری است، ((شبابک قبل هرمک)) ((۷۹)). سعی کنید در ایام جوانی بر خود مسلط باشید و خشم، شهوت و هواهای نفسانی را ذلیل و رام خود کنید. دوره جوانی، دوره سعی در عمل، ساختن شخصیت و ظهور استعدادات و فرصت بزرگ برای نیل به کمالات و ارتقای درجات است. دوره رشد قوای ملکوتی و عقلانی و قوت تمایلات حیوانی است. دوره جهاد، سیر، حرکت و صعود یا سقوط است، منتهی الیه این سیر، سعادت یا شقاوت، نعیم و رضوان یا جحیم و خسران است. باید چنان رفت و چنان بود که این سیر، سیر الی الله و به سوی خدا، ثواب خدا و سیر راه انبیا، اولیا، صدیقین و صلحا باشد. ((و من یطع الله و الرسول فاولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین و حسن اولئک رفیقاً)) ((۸۰)). خود را در معرض وزش نسیمهای توفیق قرار دهید و با جهاد با نفس، که جهاد اکبر است، توفیقات و هدایت‌های الهی را کسب نمایید. فقد قال عز اسمه: ((والذین جاهدوا فینا لنهینهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین)) ((۸۱)). و خود را از خطر آلودگی به موجبات خذلان و وقوف یا بازگشت به عقب، دور نگه دارید. برخی از اسباب خذلان را که در این جمله‌های شریفه دعای ابی حمزه ثمالی بیان شده، بخوانید و به خدا از آنها پناه ببرید، ((سیدی

لعلک عن بابک طردنتی و عن خدمتک نحیتنی اولعلک رایتنی مستخفا بحقک فاقصیتنی اولعلک رایتنی معرضا عنک فقلیتنی اولعلک وجدنتنی فی مقام الکاذبین فرفضتنی اولعلک رایتنی غیر شاکر لنعمائک فحرمتمنی اولعلک فقدتنی من مجالس العلما فخذلتنی اولعلک رایتنی فی الغافلین فمن رحمتک آیستنی اولعلک رایتنی الف مجالس البطالین فبینی و بینهم خلیتنی ((۸۲)). این امور و کارهای مشابه آنها، همه از اسباب سلب توفیق، بعد از خدا، تاریکی قلب و مفساد دیگر است که باید از آنها دوری جست و خطر آنها را بزرگ شمرد. استخفاف به حق خدا و سبک گرفتن اوامر و نواهی خدا، اعراض از یاد او، ترک شکر نعمتهای الهی، ترک مجالست با علما، همنشینی با اهل بطالت، غفلت و لهو و لعب، همه از موانع کسب درجات معنوی و فیوضات حقیقی است. یکی از علایم توفیق و آگاهی و بیداری شخص، همین حال نیک و شایسته نصیحت خواهی است. خداوند بر این بینش و رشد و درک معنوی شما بیفزاید، خدا را برای داشتن این حال شاکر باشید، هیچگاه از حال نفس خود و تهذیب و تکمیل اخلاق خود غافل نشوید، بر تلاوت قرآن مجید مداومت نمایید و حداقل، بخشهایی از آن را در معارف و الهیات و معاد و اخلاق حفظ کنید، با یاد خدا خیالات شیطانی را، که امید است بر شما چیره نشود، از خود دور سازید. ((ان الذین اتقوا اذا مسهم طائف من الشیطان تذکروا فاذا هم مبصرون)) ((۸۳)). حال که توفیق دانش آموزی دارید، در تحصیل علم، مقامات بسیار بلند علمی را وجهه همت قرار دهید و برای شرف و فضیلت علم و برای اینکه در جامعه مسلمانان، عضوی مفید و مصدر خدمات بزرگ شوید و مسلمانان را از بیگانگان بی نیاز سازید و به خود کفایی برسانید، هر چه در توان دارید، تلاش کنید. همیشه و همواره چشم به راه ظهور و منتظر فرج حضرت صاحب الامر، بقیة الله، ارواح العالمین له الفدا، باشید و موجبات مسرت خاطر انور ایشان را، که فوز اکبر و افضل است، فراهم سازید. در خاتمه از خداوند متعال برای شما توفیق و تسدید و سعادت دنیا و آخرت مسالت می نمایم والتماس دعا دارم. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته. لطف الله صافی.

### سؤال ۱۴ = نصیحتی برای جوانان

محضر مرجع عالی قدر، حضرت آیت الله العظمی آقای صافی. با عرض سلام! خواهشمندست نصیحتی برای جوانان مرقوم فرمایید. بسم الله الرحمن الرحیم. جوانان عزیز باید توجه داشته باشند که در هر زمان و بخصوص در این زمان، دعوت های باطل فراوان و وسایل گمراهی بسیار است، بنابراین مراقب باشند تحت تاثیر اباطیل قرار نگیرند. بدانند یگانه دعوتی که باید با تمام وجود به آن لبیک گفت، دعوت کسانی است که اعلم و اعقل همه مردم بوده و سوابق و تاریخ زندگی آنها، از آغاز تا پایان، در کتب معتبره مضبوط است و آنان حضرات ائمه هدی، سلام الله علیهم اجمعین، هستند. انشاء الله موفق باشید. لطف الله صافی.

### سؤال ۱۵ = نامه ای خطاب به دکتر صافی

دکتر مرتضی صافی، فرزند حضرت آیت الله العظمی صافی، مد ظله العالی، بعنوان نفر ممتاز دکتری قلب در ایران، جهت تکمیل تحصیلات به کشور انگلستان اعزام شد. وی دو سال بعد، پس از کسب فوق تخصص قلب و عروق، به کشور بازگشت و هم اکنون، عضو هیات علمی و استادیار دانشگاه شهید بهشتی تهران بوده، در بیمارستان شهید مدرس تهران، مشغول فعالیت است. از دو نامه ای که ذیلا می آید، نامه اول خطاب به دکتر صافی، و نامه دوم به همسر و فرزند ایشان، به هنگام حرکت به لندن، به عنوان سرراهی آنان، نگاشته شده است و متضمن نکات ارزشی - اخلاقی فراوانی است. بسم الله الرحمن الرحیم. ((و قل اعملوا فیسیری الله عملکم و رسوله و المؤمنون)) ((۸۴)). بعد الحمد و الصلاة، فرزند بسیار عزیزم و نور چشمانم، مرتضی جان! اکنون که به حول و قوه الهی، عازم سفر خارج، برای ادامه تحصیلات می باشی، امیدوارم از انواع توفیقات بهره مند شوی و



وجه همت را هم از جهت صورت و هم از جهت معنا بلند و عالی و متعالی قرار دهی. از جهت صورت، نیل به عالی ترین مقامات علمی را هدف بدانی و از جهت معنا این سفر را یک سفر الهی و برای خدا قرار دهی که هر چه درس بخوانی و هر چه تلاش کنی و هر چه بیشتر تحقیق نمایی، همه را به حساب خدا و حسنات نامه اعمال تو محسوب سازند. سفر به این نیت که با کسب معلومات در طریق خود کفایی امت اسلام و جامعه مسلمین و بی نیازی آنها از کفر و خدمت به مسلمانان گام برمی داری، بسیار مقدس و عبادت است. سر انحطاط ظاهری کنونی مسلمین، عقب ماندن آنها در علوم مادی و ظاهری از بیگانگان است، چنانکه علت تفوق کفار بر مسلمانان نیز، پیشرفته بودن آنها در این علوم است. اگر جوانانی که به خارج می روند، به این فکر باشند که باید این قلاع مادی و تکنیک را فتح کنند و هر کدام برای عالم اسلام افتخار، مایه سربلندی و بی نیازی از دیگران شوند، یقیناً این وابستگی و احتیاج کنونی برطرف می شود و مسلمانان به استقلال علمی نایل می گردند. چرا نباید تو و امثال تو در رشته های مختلف علمی در دنیا سرشناس و مشارالبنان باشید، با اینکه در استعداد و هوش سرشار اگر از دیگران قوی تر نباشید، ضعیفتر نیستید غرض اینست که همواره یادت باشد برای چه و به منظور تقدس و کسب چه رتبه والایی سفر کرده ای! خدا ناظر بر تو است! از او کمک بخواه و به او توکل و اعتماد کن! مبادا مظاهر مادی آنجا، فکر تو را مشغول سازد و از راهت بیرون براند که خدای نخواستہ صبح کنی در حالی که از آنچه می خواستی دستت پر شود، خالی باشد و با دست خالی برگردی! آنجا اگر وسایل تحصیل فراهم است، وسایل بازداشتن انسان از مسیر راه کمال و سعادت نیز بسیار است و مرد می خواهد که در دام این ملهیات نیفتد و نیکبختی خود را به آن نفروشد. در تعهد دینی خود و ولایت اهل بیت، علیهم السلام، ثابت قدم باش و هر کس را در این راه، آزموده و پخته شناختی، با او باب مصاحبت و دوستی باز کن! در مجالس اسلامی که در مجمع اسلامی یا جاهای دیگر تشکیل می شود، خالصانه و بی ریا برای کسب فیض و زنده نگهداشتن تعهدات مذهبی شرکت نما و آن مجالس را بزرگ می شمار و قدر بدان! خلاصه، چنان فرض کن که همه در انتظار تو هستند، کل جامعه مسلمانان منتظر نتیجه تلاش تو و امثال تو هستند، دوستان و آشنایان همه منتظرند، خویشاوندان تو، پدر و مادرت، همه منتظر و چشم براهند، بیماران همه منتظرند همه این امور را فراموش نما و از هر زحمت و کوشش، در راه موفقیت علمی استقبال کن و اگر ناملایماتی در خلال کار پیش آمد، اعتنا نکن که (رنج راحت بدان چه شد مطلب بزرگ). شکیبا و ثابت قدم و استوار دنبال کار خودت باش که باید انشاءالله تعالی، شاهد توفیق را در آغوش بگیری. سختیهای کار و هر فشاری را در این طریق می بینی، به حساب خدا محسوب دار و از ضعف و سستی و ناامیدی پرهیز کن! تا می توانی نام خدا بر زبان آر و از ذکر خفی و یاد قلبی نیز غافل مباش و صلوات بر محمد و آل محمد، علیهم السلام، بخصوص حضرت بقیه الله، ارواحنا فداه، را فراموش نکن و تحصیلاتت را برای بهتر و بیشتر خدمت کردن به آن حضرت و شیعیان آن بزرگوار پرمایه و پرمحتوا ساز. چون با حال کسالت مجال بیش از این نیست، امید است ((تو خود حدیث مفصل از این مجمل بخوانی)) تو را به خدا سپردم و از خدا برایت سعادت دارین و توفیق مسالت می نمایم. و لا حول ولا قوة الا بالله و السلام علیک و رحمه الله و برکاته. فدایت لطف الله صافی. اگر بعضی از کسان و خویشان، زر و زیوری برای سر راهی به شما تقدیم کرده اند، من هم این چند کلمه را به عنوان سر راهی، به شما می سپارم، یقیناً قبول می نمایی.

### سؤال ۱۶ = نامه ای خطاب به خانم دکتر صافی

باسمه تعالی. این چند کلمه را نیز به عنوان سر راهی، برای بانوی محترمه عزیز خانم و نور چشم عزیزم، نرگس جان، می نویسم امید است شما و مرتضی در این سفر تندرست و سالم باشید و با موفقیت و نیل به مقاصد عالیه، مراجعت کنید. عزیزانم آن شهری که می روید، پر است از فساد و تباهی و فسق و فجور، اگر چه داد از انسانیت می زنند، ولی شرف واقعی انسان در

آنجا پایمال هوا و هوس و شهوات و حیوانیت است زندگی بیشتر آنها، به زندگی دامهایی شبیه است که در دام خانه‌هایی منظم و مدرن زندگی می‌کنند، ولی از انسانیت و لذایذ معنوی بهره‌ای ندارند، شما سعی کنید اخلاق و تربیت خودتان را محکم نگاه دارید و استقلال اسلامیت خود را حفظ کنید بسیاری از ایرانیها در آن محیطها زود رنگ عوض می‌کنند و اروپایی می‌شوند و فراموش می‌کنند که مسلمانند، زنهایشان چادر را که در اینجا لباس محرمی است، کنار می‌گذارند، بعکس هندیها، پاکستانیها و آفریقاییها بیشتر هويت خود را حفظ کرده‌اند و از این که هندی یا پاکستانی می‌باشند، یا از این که با چادر و لباس محلی خودشان ظاهر می‌شوند، هیچ احساس حقارتی نمی‌نمایند، سرفراز و با اعتبار در خیابانها ظاهر می‌شوند. به هر حال، زندگی، همه‌اش جهاد است و همه‌جا باید جهاد کرد، درس خواندن جهاد است، چادر و پوشش اسلامی داشتن جهاد است، در مجالس آنچنانی نرفتن جهاد است، جهاد، جهاد، جهاد. امید است هر سه شما در همه جهادها پیروز باشید و نرگس جان کوچولو هم با چادر کوچکش، نمونه ثبات و استقامت و پای بندی به شعایر اسلامی باشد. خلاصه هر چه آنجا شرعا خوب است، فرا بگیرید و هر چه شرعا بد است، از آن دوری اختیار نمایید.

## ۲. تعلیم و تربیت

### سؤال ۱۷ = نظر اسلام درباره سخنان قبیح و زشت

حضور حضرت آیت الله العظمی صافی. مدیر یکی از دبیرستانها و آموزشگاههای اسلامی، مستمرا در حضور ۴۰۰ نفر، لفظ رکیک و قبیح ((خفه شوید)) را به کار می‌برد. با توجه به اینکه چنین لفظی، طاغوتی و ضد قانون است، نظر شرع مقدس اسلام چیست؟ وظیفه دانش آموزان و مسؤولان چیست؟. تعلیم و تعلم، یاد دادن و یاد گرفتن علم در اسلام، مورد تشویق و تاکید فراوان قرار گرفته، و اساس ترقی و تعالی و تکامل جامعه است، و حق معلم و کسی که به انسان علمی را آموخته باشد یا او را به راه نیک، خیر و صوابی راهنمایی کرده باشد، بسیار بزرگ است و مثل حق پدر، رعایت آن لازم است. باید دانش آموزان در احترام معلم، تا می‌توانند اهتمام کنند، و حتی اگر از او برخورد خلاف آداب دیدند، تحمل نمایند. وظیفه معلم و استاد هم، اینست که با دانشجو و دانش آموز، با حلم، بردباری، مهر و رافت رفتار نماید، از لغزش و خطای آنها چشم پوشد، و با زبان نرم و ملاطفت، اشتباهات آنان را تذکر دهد. رابطه شاگرد و استاد، رابطه‌ای معنوی است که هیچگاه فراموش نمی‌شود. در حدیث است: ((تواضعوا لمن یتعلمون منه العلم و لمن یعلمونه))، ((۸۵)) این حدیث هم توصیه به شاگرد است که با فروتنی و تواضع، از استاد، احترام و تکریم نماید و هم تعلیم به معلم است که با مهر، محبت و تواضع، شاگرد را به فرا گرفتن علم و دانش تشویق نماید تا دانشجو به تحصیل علم و معرفت رغبت و میلش بیشتر شود و با اشتیاق، هر کجا اشتباهی دارد، به معلم مراجعه نماید. اما در مورد سؤال، وظیفه دانش آموزان این است که طوری رفتار نمایند که موجب خشم معلم نشود و در مقام تلافی نسبت به معلم بر نیایند، و ((جور استاد، به ز مهر پدر)) را مراعات نمایند، و وظیفه مدیریت آموزشگاه و مسؤولین، اشراف بر جریان وضع تعلیم، تدریس، اخلاق و رفتار معلمان، اساتید و کلیه امور آموزشگاه است که اگر از این گونه بدزبانیها و نواقص و برخوردهایی که در روحیه دانش آموزان و اخلاق آنها اثر می‌گذارد، مشاهده شود، به معلم به طور خصوصی، نه در برابر دانش آموزان، انعکاس سؤاين برخوردها را تذکر دهند و او را به حسن اخلاق، عفت زبان و حفظ شان معلم توصیه نمایند و محیط آموزشگاه را از این نواقص مصونیت دهند. والله العالم. لطف الله صافی.

### سؤال ۱۸ = رهنمودهایی درباره شغل معلمی

بسم الله الرحمن الرحيم . محضر مبارک مرجع عالیقدر شیعه , حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دام ظلّه) . با عرض سلام و ادب به حضور آن عزیز فرزانه ! . خواهشمند است در اولین سال تدریس این جانب و اشتغال به شغل معلمی , که شغل انبیای الهی است , بارهنمودهای ارزنده خود , این جانب را دلگرم سازید . ایام عزت مستدام . بسم الله الرحمن الرحيم . با سلام و تقدیر از حسن نیت و توجهی که به قداست شغل خود , در آغاز شروع به آن دارید , از خداوند متعال مسألت می نمایم که ابواب توفیق را بر روی شما مفتوح و در زیر سایه حضرت بقیه الله , ارواحنا فداه , موفق و از یاران و خدمتگزاران حضرتش باشید . شغل شریف معلمی از مشاغلی است که عقل و شرع بر احترام آن اتفاق دارند و علو منزلت و رتبه معلم در بین تمام ملل و امم همواره مورد تصدیق و تأیید بوده و هست . خداوند متعال طبق فرموده خود , در قرآن مجید , معلم کل انسانها و معلم آدم ابوالبشر و معلم حضرت رسول خاتم , صلی الله علیه و آله و سلم , است و تمام ممکنات , زیر پوشش تعلیم و تربیت تکوینی , تشریحی و فطری او قرار دارند . انبیای عظام یکی از بزرگترین وظایفشان , تعلیم و تربیت است و حضرت رسول اکرم , صلی الله علیه و آله و سلم , طبق فرموده خودشان , ((انما بعثت معلما)) ((۸۶)), معلم کتاب و حکمت بود . امیرالمؤمنین و سایر ائمه اطهار , سلام الله علیهم , مظاهر صفت تعلیم و تربیت جامعه الهیه هستند مدرسه تعلیم و بیان علوم و معارف و احکام آن بزرگواران , از همان صدر اسلام گشایش یافت و تا به امروز , یگانه مدرسه جهانی است که هزاران معلم در آن پرورش یافته و در اطراف و اکناف جهان , شهر و روستا , مساجد و حسینیه ها , منازل و مدارس , شغل مقدس آموزگاری دارند . حضرت سیدالشهدا , علیه و علی اولاده و علی اصحابه الکرام افضل التحیه و السلام , که در ایام دو ماه محرم و صفر , در سراسر عالم اسلامی , بخصوص کشور عزیزمان , مجالس سوگواری و عزاداری آن حضرت منعقد است و همه مدارس تعلیم و تربیت از برکت وجود ذی جودش می باشد , در مسجد مدینه , عالیترین حلقه درس را داشت که خود آن بزرگوار , مدرس و معلم آن بود و صحابه و تابعین در آن افتخار شاگردی و کسب علم را داشتند . بدیهی است در اینجا احتیاج به تذکر نیست که مقصود از تعلیم و معلم , تعلیم علوم مشروعه و معلم کمالات مفیده است . معلم قرآن , معلم احکام , معلم اخلاق , معلم اعتقادات و اصول دین , معلم خط و نگارش , معلم تاریخ و سرگذشت عبرت انگیز گذشتگان , معلم علوم ادب , معلم علوم پزشکی , معلم فیزیک , شیمی , ریاضیات , هیات و نجوم , معلم انواع صنایع , معدن شناسی , زمین شناسی , گیاه شناسی و همه فضیلت دارند , و تعلیم همه را می توان به عنوان خدمت به جامعه و عزت و شوکت اسلام و مسلمین و رفع نیاز از بیگانگان , برای کسب ثواب و رضای خداوند متعال انجام داد . در صورتی که معلم با این شعور و ادراک عالی و هدف مقدس , علوم مذکوره را تعلیم دهد , هیچ یک از متاعهای دنیوی را نمی توان با ارزش کار او برابر شمرد . هر چه خلوص نیت معلم , در این راه بیشتر و اهتمام او در تربیت افراد مفیدتر و کاملتر باشد , ارزش معنوی کار او بیشتر می شود . در مدرسه تعلیم حضرت امام جعفر صادق , سلام الله علیه , که هزاران شاگرد , از علما , محدثان , مفسران و متخصصان در علوم متنوع تربیت شده اند , فردی مانند جابرین حیان بوده است که او را پدر علم شیمی لقب داده اند و صدها کتاب در رشته های مختلف تألیف کرده است . در جامعه اسلامی , وقتی سخن از تعلیم و معلم و شان و مقام معلم به میان می آید , تعلیم و تعلم در رشته های مذکور است , هر چند تعلیم علوم اسلامی و علوم قرآن و شریعات را موقعیتی خاص است , اما چون همه این علوم برای کمال دین و آخرت و نظام معاش و معاد و نفی فقر و جهل لازم است , و از طرفی معلم در همه این رشته ها می تواند در ضمن تدریس , هر چند با طرح مثالهای مناسب , دانش آموزان را با اسلام و معارف و مکتب حق اهل بیت , علیهم السلام , آشنا سازد شغل معلم فرصت بسیار خوبی برای او است که دانش آموزان را به راه راست اسلام هدایت نماید , و بالعکس , چنانچه خدای ناکرده , معلم , متعهد نباشد و سلامتی اخلاقی و عقیدتی نداشته باشد , در هر رشته ای که تدریس کند , ممکن است بر افکار و عقاید و اخلاق دانش آموز , اثر سؤ بگذارد . در این میان هم , رشته هایی از آداب و فنون فساد انگیز می باشد که آموزش و تعلیم آنها جایز نیست و حساب معلمان حقیقی , که با انبیا

و ائمه، علیهم السلام، همکاری دارند و از مکتب آنها الهام می‌گیرند، از کسانی که به آموزش این فنون مبتذل و حرام عمر خود و دیگران را ضایع می‌نمایند، جداست. امید آن که مؤسسات تعلیم و تربیت ما، در مسیر احکام نورانی و هدایت تعالیم قرآنی، جامعه را به رشد و ترقی برسانند و معلمان عزیز، وظیفه بزرگی را که به عهده گرفته‌اند، به خوبی ایفا نموده، سرفراز و سربلند، در زمره پاسداران ارزشهای اسلامی و منتقل‌کنندگان معارف دین و حقایق، به نسلهای بعد، محسوب گردند. عرض نصیحت من، به معلمین بزرگوار و محترم، بخصوص عزیزانی که آغاز افتخار آنها، به کسب عنوان معلمی است، اینست که اهتمام داشته باشند تا کار خود را برای خدا و در راه خدا قرار دهند و بادانش آموزشی که در کلاس آنها هستند، با کمال مهر و محبت و فروتنی رفتار کنند، مسؤولانه در کلاس حاضر شده و از امانتهایی که به آنها سپرده شده و می‌شود، خوب نگهداری کنند که عمر و وقت آنها، که نه فقط به خودشان، بلکه به کل جامعه مربوط است، تلف نشود. بدانند که اخلاق، آداب، روش و گفتار و کردار معلم، حتی ظاهر لباس و سر و صورت او، بر دانش آموز تاثیر می‌گذارد و بعد از خانه و محیط منزل، یا مهمتر از خانه، محیط انسان ساز، محیط مدرسه و کلاس درس و اخلاق معلم است. ((والبلد الطیب یخرج نباته باذن ربه والذی خبث لایخرج الا نکدا)) ((۸۷)). با توجه به این مسؤولیتهای، کلاس درس، کلاس عبادت خدا و درس معلم، عبادت و سرتاسر شغل او، عبادت است. گوارا باد بر شما و بر افرادی که چنین افتخاری را کسب کرده‌اند! ((یا لیتنا کنا معکم فنفوز فوزا عظیما)). والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته. لطف الله صافی.

### سؤال ۱۹ = بهترین راه خودسازی و بهترین راه طرد شیطان

باسمه تعالی. محضر باهرالنور مرجع شیعیان، حضرت آیت الله العظمی آقای صافی. با سلام و عرض ادب خدمت شما! خواهشمندست به سؤالات اینجانب پاسخ لازم را مبذول فرمایید: ۱- بهترین خودسازی، برای آدمی، چیست؟ . بسم الله الرحمن الرحیم. بهترین خودسازی عمل به دستورات شرع است که حداقل آن انجام واجبات و ترک محرمات است و کاملتر آن، انجام مستحبات و ترک مکروهات می‌باشد، چون معنای خودسازی، عمل نمودن به نحوی است که تضمین کننده سعادت انسان، از آن جهت که انسان است، باشد و هیچ کس جز خدای رب العالمین، که خالق انسان است، قدرت ارابه طریق پیمودن راه انسانیت را ندارد. ۲- بهترین راه برای طرد شیطان، چیست؟ . بهترین راه برای طرد شیطان، تأمل نمودن در مقطع استثنایی و مهم زندگی دنیا است که یک مرتبه بیشتر نیست و هر کاری انسان انجام دهد، در همین مقطع است با توجه به آنچه انسان در پیش دارد و ائمه، علیهم السلام، خبر داده‌اند البته در یاد خدا بودن به خواندن ادعیه و اذکار با توجه به معانی آنها نیز مؤثر است.

### سؤال ۲۰ = مراحل رسیدن به کمال انسانی

بسم الله الرحمن الرحیم. حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دام ظلّه العالی). ضمن عرض سلام، خواهشمند است ما را در این زمینه، که مراحل رسیدن به کمال انسانی چیست، راهنمایی فرمایید. با تشکر و امتنان. بسم الله الرحمن الرحیم. رسیدن به مراحل کمال انسانی، نسبت به اشخاص متفاوت است چون استعداد، قابلیتها و میزان استقامت و تحمل محدودیتهای در افراد، تفاوت ذاتی و فطری دارد و هر کسی به مقدار قابلیت فطری خود، قدرت تحصیل کمال را داراست، به هر حال هر کس به مقدار خود، اگر بخواهد کامل شود، باید مراحل راطی کند. اولین مرحله این است که با تأمل در ادله خداشناسی که در کتب مربوطه ذکر شده، اوصاف خداوند را بشناسد و واقعا درک کند که خداوند، عالم به احوال عبد و محیط به تمام وجود او است، ((یعلم خائنه الا عین و ما تخفی الصدور)) ((۸۸)). این شناخت، عبد را وادار به تحصیل و دانستن موارد رضای او می‌کند و آن امر، ممکن نیست، مگر به شناختن کسانی که خداوند آنها را حجت و واسطه فیض بین خود و بندگانش قرار داده است،

زیرا آنها موارد رضا و سخط خداوند را می‌دانند جز آنها هیچ کس نمی‌داند چه اموری موجب رضای خدا و طاعت او و چه چیزهایی عصیان و مخالفت اوست این بزرگواران نظر به قابلیت که دارند، خزاین علوم الهی و امنای خداوند، هستند و هر چه انسان بیشتر تامل در اخلاق، حالات، اعمال و بیانات آنها کند، معرفتش به خود آنها و به خداوند بیشتر می‌شود. و بعد از حصول این معرفت، در صورتی که توأم با تبعیت از حجت‌های الهی در همه امور باشد و در محدوده دانستن و شناخت، تنها، متوقف نشود، حصول شناخت کامل و نهایی نسبت به خداوند و حجج الهیه، یعنی حضرات پیغمبر اکرم و ائمه اثنی عشر، علیهم السلام، و در یاد خدا بودن و حب شدید به او و خوف و رجا و خلوص و بی‌اعتنایی به مظاهر دنیوی هر چه که باشد، قهری است و اگر منفک از تبعیت و تقوا و فقط شناخت علمی باشد، موجب دوری از خدا و شقاوت و قساوت و عاقبت به شر شدن خواهد بود و این اشاره اجمالی، در این زمینه است. و فقننا الله و ایاکم لمعرفته تعالی و معرفه اولیائه و جعل زادنا التقوی و الخلوص بمحمد و آله الطاهرین صلوات الله علیهم اجمعین.

### سؤال ۲۱ = موسیقی و ترک نماز

خدمت مرجع تقلیدم، آیت الله العظمی صافی. با سلام! این جانب قبل از ازدواج، به موسیقی علاقه فراوان داشتم و بدحجاب بودم اما بعد از ازدواج، موسیقی را کنار گذاشتم، بدحجابی را کنار گذاشتم و قرآن خواندن را تکمیل کردم، البته با یاری خدا و شوهرم ولی هنوز شیطان مرا رها نمی‌کند و من هم آدمی سست و بی‌اراده هستم، گاهی نماز می‌خوانم و گاهی نمی‌خوانم، همه اینها باعث می‌شود خودم عذاب وجدان داشته باشم و ناراحت باشم، ولی نمی‌دانم چه کنم که اراده و ایمان محکم داشته باشم و شیطان سراغم نیاید؟. بسم الله الرحمن الرحیم. موسیقی را برای همیشه کنار بگذارید نمازتان را حتما بخوانید و آنچه فوت شده قضا نمایید که در روایت وارد شده است: ((کسی که عمدا نماز را ترک کند مانند کافر است)) ((۸۹)). چنانچه خوب تامل کنید و عظمت خداوندی، رسیدن مرگ و تحت محاسبه الهی قرار گرفتن و نیز ثواب‌های عظیم در برابر اطاعت فرمان خداوند را مدنظر قرار دهید، انشاءالله شیطان شما را رها می‌کند ولی باید بدانید که هیچ‌گاه انسان از مکر شیطان و وسوسه‌های نفسانی خلاص نمی‌شود، مگر اینکه ایمان و معرفت او کامل شده باشد تکمیل معرفت و ایمان حاصل نمی‌شود، مگر با تعقل و تفکر در عظمت خداوند و عجز انسان در برابر قدرت او و یقین به حتمی بودن و حق بودن عذاب و ثواب و فنای دنیا و همراه این تفکرات، تقوا، اطاعت اوامر و نواهی الهی. و الله العالم. لطف الله صافی.

### سؤال ۲۲ = معاشرت با دوست و رفیق

باسمه تعالی. خدمت مرجع معظم، حضرت آیت الله العظمی آقای حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی (دامت برکاته). با سلام و دستبوسی! خواهشمندست پاسخ سؤال اینجانب را مرقوم فرمایید: نظر شما یا حکم شرع درباره معاشرت با دوست و رفیق چیست؟. بسم الله الرحمن الرحیم. در معاشرت و همنشینی، که در ساختن شخصیت انسان بسیار مؤثر است، باید دقت کامل شود که با اشخاصی معاشرت کند، که از معاشرت با آنها، بهره‌های روحانی و معنوی ببرد. مجالست با حضرات علمای اعلام، و اهل تقوا و پارسایی، مردمان آزموده و سالخورده و با تجربه و با سابقه در اسلام، موجب رشد عقل و دین و ایمان می‌شود چنانکه همنشینی با مردم فاسق، بدکار، بد اخلاق و غیر متعهد به تکالیف دین و فاقد حیای اجتماعی، بخصوص اهل بدع و کسانی که انحرافات فکری دارند، بسیار بسیار مضر است و خطر آن برای روح و معنویات انسان، بسیار زیاد است، باید از حضور در مجالس چنین اشخاصی و جلسه‌های لهو و لعب به شدت پرهیز نمود و بالعکس، مجالس وعظ، سخنرانیهای مذهبی، محضر علما، محافل دعا، تلاوت قرآن، ذکر مناقب و فضایل اهل بیت، علیهم السلام، را غنیمت شمرد و اصولاً چنانکه فرموده اند:

((يعرف المر بجليسه )) , هر کس از هم‌نشینان و معاشرین او شناخته می‌شود . والله العالم . لطف الله صافی .

### سؤال ۲۳ = ارتباط با خدا و ائمه معصومین

محضر حضرت آیت الله العظمی آقای صافی . چگونه جوان می‌تواند با خداوند و ائمه معصومش رابطه برقرار کند و اگر در این زمینه ، ناامیدی به جوان راه پیدا کرد ، باید چه کند ؟ . رابطه برقرار کردن هر مسلمان ، جوان باشد یا پیر ، با خداوند متعال و ائمه اطهار ، علیهم السلام ، به این است که در جمیع شئون زندگی ، به فرمایشات آنها ، کما هو حقّه ، عمل نماید . والله العالم . لطف الله صافی .

### سؤال ۲۴ = نامه ای در مسائل جوانان

#### نامه ای در مسائل جوانان

بسم الله الرحمن الرحيم . محضر مرجع عالی قدر ، حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی . با عرض سلام خدمت شما . جوانان در عین حالی که شب و روز به زندگی دنیوی مشغول هستند ، در باطن ذات و نفس خویش نیز زندگی [مرموز] و پوشیده ای دارند و اگر چه توجهی به آن زندگی ندارند و آن را به کلی فراموش کرده اند ، لیکن با داشتن روح و افکار و عقاید حقّه ، اخلاق پسندیده و اعمال شایسته می‌توانند سبب استکمال و ترقی روحانی خود گردند و سعادت و کمال خود را فراهم سازند ، در صورتی که اکثر جوانها با عقایدی باطل و اخلاق زشت و اعمالی [ناشایست] باعث نقصان ، شقاوت و انحراف نفسانی خود شده اند و به آن مشغول هستند . به عقیده من باید این قشر از افراد را راهنمایی کرد و آنها را در صراط مستقیم ، تکامل بخشد تا جوهر ذات و حقیقتش پرورش و تکامل یافته و به عالم روحانیت صعود و رجوع پیدا کند و اگر آنها تمام کمالات روحانی و اخلاق پسندیده انسانی را فدای ارضای قوای حیوانی کنند و اسیر خواسته های نفسانی شوند و به صورت حیوانی هوسران ، کامجو و یا دیوی درنده و خونخوار در آیند ، چنین کسانی از صراط مستقیم تکامل انحراف یافته و در وادیهای هلاکت و شقاوت سرگردان خواهند شد در صورتی که در حال حاضر ، حتی دختران محصل ، در مدرسه های راهنمایی ، نه دبیرستان [ها] و نه دانشگاهها ، در مدرسه های راهنمایی ، دختران و پسران ، در وادیهای هلاکت و شقاوت سرگردانند و عده معدودی که در این مسیر قرار نگرفته اند سعی دارند جوهر ذات و انسانیت شان را کامل کنند و از صراط مستقیم انسانیت به عالم سرور و منبع کمالات رجوع کنند ، تحت تاثیر عده ای زیاد از آنهاست که راه مستقیم دیانت را هم فراموش کرده اند و از پیمودن صراط دقیق انسانیت عاجز شده اند ، قرار گرفته و جز زندگی سخت و سقوط در هاویه جحیم ، سرنوشتی نخواهند داشت . ما از بسیاری از این رویدادها غافلیم ، غالب انحرافات و نزاعهایی که در بین نوجوانها و جوانهای این مرز و بوم بوجود می‌آید در پرونده های دادگستری بایگانی می‌شود و تا آنجا که به قتل منتهی نگردد ، به روزنامه ها سرایت نمی‌کند و اگر هم به قتل منتهی گردد ، بسیاری از روزنامه ها منتشر نمی‌کنند ، پس باید هوشیار باشیم ، کنجکاو باشیم و حداقل به کسانی که در این مسیر قرار نگرفته اند و یا سست اراده هستند ، از راه معنویت کمک کنیم . چون آنچه مسلم است و انحرافات جنسی را افزایش می‌دهد ، فقدان معنویت است ، مشکل اصلی ما در این است که فقط به خودمان توجه می‌کنیم ، باید افکار خودمان را ، نظریات خودمان را فراتر از محدوده خود قرار دهیم ، در هر کشوری وقتی معنویت کم شود و یا رو به سقوط رود ، به تدریج مفاسد اجتماعی و در راس آن انحرافات جنسی افزایش می‌یابد و بطور کلی ، عده ای از نوجوانان که راه حق و ایمان را دوست می‌دارند ، راز و نیاز با معبود خود را ، دوست می‌دارند و از اینگونه بی‌حجابی ها و از اینگونه خودنمایی ها ناراحت می‌شوند ، وقتی در جوی



نامناسب قرار می‌گیرند، درجوی که هر نوجوان دختر و پسر با فردی از جنس مخالف دوست است و مدام با او در ارتباط است قرار می‌گیرند، تحت تاثیر این گونه افراد قرار گرفته، مسیرانحراف را پیشه خود می‌گردانند و کسی پیدا نمی‌شود و به کسی هم اطمینان پیدا نمی‌کنند که با او مشورت کنند و راه صحیح را از او طلب کنند (حتی با پدر و مادر خود). و بالاخره من، پس از سالها فکر کردن و با مشکلات دست و پنجه نرم کردن و انحرافات بسیاری از مدرسه‌ها و دبیرستانها را مشاهده کردن، ارتباطات تلفنی و ارتباطات نزدیک بین دختران و پسران کمتر از ۱۶-۱۷ را دیدن و شنیدن، از این گونه رفتارها، رنج می‌برم و از این گونه مسایل بدین نتیجه رسیدم که هر قدر نونهالان اجتماع از نظر فکر و شجاعت تقویت گردند ولی از نظر ایمان و اخلاق نیرومند نباشند، دیومفاسد خیلی زود آنها را از پای در آورده و آنها را متلاشی می‌کند و علت اصلی آن، خود پدران و مادران هستند و بدین ترتیب به عنوان واکسینه ای فکری، لزوم بحث از اخلاق و مفاسد و راه مبارزه با آنها، ضروری به نظر رسید که با شما مشورت کنم و از شما طلب کمک کنم خواهش می‌کنم مرا راهنمایی کنید، حتی با فرستادن کتابی در این زمینه. اگر من بخواهم، با یاری خدا و کمک شما با این گونه انحرافات نوجوانان و جوانان، تا اندازه ای حتی محدود، در مدرسه و یا دبیرستانی مبارزه کنم، از طریق انتشار اعلامیه هایی در این زمینه، چگونه می‌توانم موفق باشم؟ با انتشار چه اعلامیه هایی می‌توانم افکار و عقاید نادرست آنها را منحرف سازم و آنها را نسبت به این مسایل روشن کنم و راه مستقیم را پیشه راهشان قرار دهم، از شما استدعا می‌کنم که مرا کمک کنید، البته لازم به یادآوری است که من هیچ گونه مسؤولیتی در این کشور ندارم، منظور من این است که حتماً نباید رییس ارگان و یا رییس سازمانی باشم که جواب نامه ام را بدهید، مرا به عنوانی فردی حقیر قبول کنید و جواب نامه ام را بدهید، بی توجه بودن نسبت به این نامه یعنی بی توجهی به نسل جوان و جامعه امام زمان، عجل الله تعالی فرجه الشریف، یعنی بی توجهی به اسلام و قرآن. منتظر نامه پر مهر و محبت شما هستم خواهش دیگری که از شما دارم این است که چون به ماه مبارک و پر فیض رمضان، نزدیک هستیم، خیلی سریع نظر خود را در نامه ای که می‌فرستید، مکتوب فرمایید. در حدیث حسن، ((۹۰)) از حضرت امام جعفر صادق، علیه السلام، منقول است که: هر که هفت شوط، طواف خانه خدا را بنماید، حقتعالی برای او شش هزار حسنه بنویسد، شش هزار گناه [از او] محو بکند، شش هزار درجه برای او بلند کند و شش هزار حاجت او را بر آورد، ولی بر آوردن حاجت مؤمن بهتر است از ده طواف ((۹۱)). انشالله همیشه [از] توجهات و عنایات و الطاف و مراحم خاصه حضرت بقیه الله الاعظم، حجة بن الحسن العسکری، عجل الله تعالی فرجه الشریف، بهره مند باشید. التماس دعا.

### پاسخ

بسم الله الرحمن الرحيم. السلام عليكم. نامه مفصل و مشحون به مطالب ارزنده و دلسوزی برای نسل جوان و در لفظی دیگر، دلسوزی برای جامعه و برای اسلام عزیز و فرزندان اسلام، واصل شد بسیار موجب امیدواری و خوشنودی گردید. تاخیر در جواب بواسطه کثرت مشاغل، مراجعات و مسایل کتبی و شفاهی است که باید به همه جواب داده شود و همانطور که مرقوم داشته اید چنین نیست که نویسنده نامه باید از مسؤولین یا رییس یک سازمان و ارگان باشد تا جواب داده شود، معاذ الله، انشالله در جواب ها بیشتر توجه به انجام وظیفه و کمک به نشر معارف اسلام و مکتب اهل بیت، علیهم السلام، و بالا- بردن سطح آگاهیهای جامعه و خصوص نسل جوان است. مساله یا مسایل جوانان مسایلی هستند که همواره مورد توجه آگاهان، مربیان جامعه و هادیان فکر و اندیشه و بخصوص مکتب انبیا، علیهم السلام، و بالا-خص، مکتب اسلام بوده و هست. اصلاحات، سازندگیها، آینده بینی های اقتصاد، سیاست ایمان و عقیده، همه روی این قشر تمرکز حساس دارد، چه آنهاييکه اغراض فاسده و مقاصد شخصی و قصد افساد و انحراف جامعه را دارند و چه آنهاييکه قصد اصلاح و سالم سازی و خیر و سعادت مردم را

دارند، روی این طبقه جوانان و نوجوانان سرمایه گذاری می کنند. روحیات جوانان برای عمل و فعالیت و قدم به پیش بودن و ترقی و تکامل، آماده است، چنانکه برای سقوط و افتادن در منجلاب انحرافهای گوناگون و فساد اخلاق نیز آماده اند. سخن در مباحث مربوط به جوانان و عوامل مؤثر در رشد و کمال و یا سقوط و انحطاط آنها و اشباع درست غرایز و خواسته های آنان نیاز به نوشتن رساله ها و کتاب ها دارد. در عصر ما بواسطه گسترش ارتباطات و وسایل سمعی و بصری و طبع و نشر افکار و آرا و تبلیغات مستقیم یا غیر مستقیم، مسایل جوانان، بسیار گسترده و پیچیده گردیده که سالم ماندن یک جوان نیاز به مراقبت ها و خصوص مجاهدت و تلاش فراوان خود فرد دارد که با آگاهی از اوضاع مختلفی که به عنوان سیاست، اقتصاد، مکتب های فکری و مسایل جنسی آنها را و سعادت و سلامت روحشان را هدف قرار داده از خود مواظبت کنند، مجلا، روزنامه ها، رادیو و تلویزیون و انواع فیلمها در تمام دنیا از مهمترین عواملی هستند که روی جوانان کار می کنند و جوامع بشری را به سوی سعادت یا شقاوت، سیرمی دهند. این وسایل، جوانان شهرنشین و جوانان روستایی و همه و همه را شامل می شوند و حتی لباس و ژست کارگردانان برنامه های تلویزیونی نیز، پسر و دختر را در همه جا، حتی در دورترین نقاط، زیر تاثیر خود قرار می دهند، البته در ساختن یک جوان سالم و مسلمان، محیط خانه، خانواده، محیط مکتب، مدرسه، آموزشگاه و محیط جامعه، همه مؤثرند و همانطور که قرآن کریم می فرماید: ((والبلد الطیب یخرج نباته باذن ربه والذی خبث لایخرج الا نکدا)) ((۹۲)). محیطها، مدرسه ها و خانواده های سالم یا فاسد، در تربیت نسل جوان، مؤثر است در گذشته، محیطیک جوان، یک کوچه یا یک روستا یا یک شهر و بازار بود، اما امروز محیط تربیت جوان و نوجوان، تمام جهان است، البته این پیچیدگیها و وسعت تضارب افکار و توسعه میدان مخاطرات به این معنا نیست که تصور کنیم چاره نمی توان اندیشید و جوانان و نوجوانان را نمی توان در مسیر صحیح، هدایت کرد و غرایز آنها را در راه سعادت خودشان، فعال نمود. با تمام این اشکالات، راههای سالم سازی جامعه و پرورش افکار و تربیت اسلامی جوانان نیز، به موازات این دشواریها زیاد شده و از جمله، رشد آگاهی جامعه و خود جوانها نیز برای سالم سازی، زمینه تاثیر تبلیغات مثبت و مفید را فراهم تر نموده است. بنابراین باید تبلیغات صحیح روی جوانها فراگیرتر و کاملتر انجام شود، باید مشکلات جوانها را شناسایی کرد و مدیریت جامعه، مسئولین بهسازی اخلاق، پدر و مادر و اشخاص و افراد، همه به طور جمعی و فردی در حل آنها اقدام نمایند. همین مساله مشکل جنسی را که تذکر داده اید، دین مقدس اسلام بسیار مهم دانسته، به حل آن تشویق و ترغیب کرده، ازدواج را در جامعه اسلامی از بنیانهای بسیار مقدس و محبوب خدا معرفی نموده و تا آنجا آن را حلال مشکلات جوانان شمرده، که فرموده اند: ((من تزوج فقد احرز نصف دینه)) ((۹۳)) و سعی در انجام آن را بین دو نفر، بقدری موجب اجر و ثواب معرفی کرده اند که به هر قدمی که شخص برای رفع این مشکل، از زندگی کسی بردارد یا کلمه ای که بگوید، ثواب یک سال عبادت، که شب هایش را به نماز و روزهایش را به روزه بسر برده باشد، مقرر شده است. در رشته های دیگر، تعالیم عالیه اسلام، همگان و بخصوص جوانان را تا حد ممکن بیمه می سازد و از آسیب پذیری دور می نماید. طبع و نشر مقالات، مجلا، روزنامه ها، رمانها، فیلمها و برگزاری بازیها، مسابقات فسادانگیز، مطالعه، دیدن، نقل و گفتن آنها و گرایش به لهو، لعب و موسیقی و قمار، سرگرمی های مضره، مجالست ها، همنشینی، مصاحبت با اشخاص فاسد الاخلاق، همه را، ممنوع فرموده، سلامتی، مانند اینکه برای سلامت بدن و حفظ سلامتی و بهداشت، هم اسلام و هم تعالیم بهداشتی، بسیاری از کارها و خوردنیها و آشامیدنیها را ممنوع کرده اند و از سوی دیگر نشر و طبع مقالات و کتابهای مفید و پرورش دهنده عقل، فکر، روح و اشعار و تفریحات سالم، سازنده و مجالست و مصاحبت های گوناگون را تشویق و ترغیب فرموده اند و از بیکاری و بطالت که خود نیز، خواه قهری و غیر اختیاری یا اختیاری باشد، نظر به مشکلاتی که می آفریند، سخت نکوهش شده و از کار و عمل و تلاش و فعالیت، مدح و ستایش شده است. به عقیده ما، همه راه حل ها را، اسلام بیان فرموده است، و اگر نگوئیم همه، اغلب مشکلات، برای پیاده نشدن این راه حل ها



است. یک جامعه اسلامی جامعه ای است که موجبات سعادت جوانان و نوجوانان، در حد ممکن در آن فراهم شده و از اسباب و وسایل انحراف پیراسته و منزّه باشد. بنابراین همه باید اقدام کنیم، چه آنهایی که مدیریتهایی در جامعه دارند و بخصوص، آنهایی که بروسایلی تبلیغی سمعی و بصری، به عنوان امین، برگزیده شده اند، باید حفظ این امانت را که از اعظم امانات است، بسیار مهم بدانند و کوتاهی در آن را از بدترین خیانت‌ها به مردم، اسلام، کشور و به جامعه بدانند، باید افراد مهذب، آگاه و ظاهرالصلاح، در همه پستهای این کارها، گمارده شوند. مطبوعات و جراید، همه و همه وظایف شان سنگین است این گونه که بسیاری تلقی می کنند، نیست باید جوانان را با مساجد یا مجالس وعظ و هشدارهای اخلاقی، با مطالعه کتابهای آموزنده و صحیح دینی، با تواریخ سودمند، با تفسیر قرآن مجید، با مجالس دعا در خط صلاح و فلاح و رستگاری نگاه داشت و خود آنها هم که بیشتر آگاه و متوجه هستند، باید در خط اصلاح خود و هم سن و سالان خود تشریک مساعی و بذل فداکاری و کوشش کنند. باید اخلاق اسلامی، زهد، آزادگی، پارسایی، قناعت، شجاعت و خودشناسی را به آنها آموخت که بدانند خود را به هر جریان و هر وضع نفروشدند. و این کلام معجز نظام امیرالمؤمنین، علیه السلام، را همیشه مقابل چشم دل خود قرار دهند: ((الا- حر يدع هذه اللماظة لا- هلها انه ليس لا نفسكم ثمن الا الجنة فلاتبيعوها الا بها))، ((۹۴))، تا بدانند که انسان بالاتر از این است که اسیر شهوات، مادیات، افکار و اعمال شیطانی شود و مثل این اشعار را که: ((تن آدمی شریف است به جان آدمیت نه همین لباس زیباست نشان آدمیت. طیران مرغ دیدی تو ز پای بند شهوت بدر آی تا ببینی طیران آدمیت)). زمزمه نمایند. بحمدالله در معارف شیعه و فرهنگ غنی ما، بیش از آنچه تصور شود، به جوانان و پسران و دختران، ارایه طریق شده است، آیات قرآن کریم، آن همه احادیث شریفه و این دعاهای انسان سازعالیه المضامین و این کتاب‌ها و اشعار و مقالات. باید جوانها را به این فرهنگ غنی متوجه کرد تا بخوانند و هم عظمت دین خود را بدانند و فرهنگ دینی اسلام را بشناسند و هم خود را بسازند، جوانها و همه را باید به حسابرسی و محاسبه اعمال راهنمایی کرد تا همیشه در مقام تحصیل ترقی و کمال، بیشتر باشند. بالاخره آقای محترم جوان عزیز نوزده ساله که الحمدلله از این همه آگاهی و دانایی برخوردارید و شمه ای از آن را در این نامه به قلم آورده اید! من به شما تبریک عرض می کنم و از خداوند متعال می خواهم که مثل شما را، که در جوانان و نوجوانان مسلمان، زیاد است، زیادتر و بیشتر بفرماید. شما جوانان، آینده اسلام هستید، عظمت اسلام، شوکت اسلام مرهون تلاش و رشد و آگاهی شماست همه از شما انتظار دارند، اسلام از شما انتظار دارد و قرآن کریم به انتظار شما است و حضرت بقیه الله، مولانا المهدی، ارواح العالمین له الفدا، از شما انتظار دارد، بیشترین یاوران آن حضرت، از شما جوانان مسلمان و متعهد خواهند بود. عزیزان من! اگر ما در ادای وظایف خود نسبت به شما قصور یا تقصیر داریم، شما به نفس خود اعتماد کنید و با توکل به خدا در دین، ایمان، تقوا، سعی و عمل، ثبات قدم نشان بدهید، قدم به جلو بردارید و به جلو بروید و فقط عزت اسلام، سیاست مسلمین، رضای خداوند و خوشنودی حضرت ولی عصر، ارواحنا فدا، و تامين رفاه و آسایش خلق و خدمت به مردم را وجهه همت قرار دهید! خدا یار و یاور شما! ((قل اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله والمؤمنون)) ((۹۵)). با التماس دعا / لطف الله صافی.

### سؤال ۲۵ = سؤالی درباره ارتباط با نامحرم و اظهار علاقه به مجسمه و صلیب

محضر مقدس مرجع عظیم الشان شیعه، حضرت آیت الله العظمی آقای صافی گلپایگانی (دام عزه). با عرض ادب و سلام! فردی از افراد خانواده مان، آن چنان غرب زده شده که به مجسمه سگ و صلیب، اظهار علاقه می کند و هرچه پدر و مادرم او را نصیحت می کنند، اثر ندارد. ۱- به نظر حضرت عالی، آیا این کار با روح اسلام، سازگاری دارد؟ ۲- اگر با مرد نامحرم، دوست باشم و به او علاقه داشته باشم، آیا از نظر اسلام صحیح است؟ ۳- آیا با کسی که قصد ازدواج دارم، می توانم ملاقات

کنم ؟ . با آرزوی طول عمر برای آن عزیز . تهران . بسم الله الرحمن الرحيم . مکتوب حاکی از علاقه شما ، به وظایف دینی واصل شد . امید است خداوند متعال به شما و عموم بانوان و دوشیزگان مسلمان ، که در این عصر ، که بخصوص در معرض آزمایش و امتحانات واقع شده اند ، توفیق دهد که از عهده امتحان به طور شایسته بیرون آمده و شخصیت اسلامی خودتان را محفوظ و تحت تاثیر تلقینات و تبلیغات سؤ منحرف کننده ، از خدا و راه مستقیم اسلام دور نشوید و درک کنید که وظیفه زن ، در زمان ما و مسئولیتش ، بسیار مهم است و در بقای جامعه اسلامی ، وضع و اخلاق بانوان و پیروی آنها از تعالیم قرآن و سنت پیغمبر و ائمه ، علیهم السلام ، حساس و خطیر و مؤثر است . اما مساله اول ، بسیار باعث تاسف است که غرب زدگی در جامعه مسلمان به این حد رسیده باشد که دختری که در یک خانواده و محیط مسلمان و موحد پرورش یافته ، و صدای توحید اذان و الله اکبر و شهادتین را همواره شنیده است ، تا این گونه خود را باخته ، و پیرو بیگانه باشد که به مجسمه سگ یا صلیب ، که مفاد مسیحیت و حرام است ، اظهار علاقه نماید ، و به پند و راهنمایی پدر و مادر مهربان توجه نکند . این علاقه ها نشانه احساس شخص به ضعف خود در برابر دیگران است که تصور می کند با این گرایش ها نقطه ضعف برطرف می شود ، در حالی که این خود عین اظهار و آشکار کردن نقطه ضعف ، انحراف فکر و بالغ نبودن روح است ، که به جای علاقه به کمالات و ارزش های انسانی ، به این گونه امور ، که از عادات پوچ و زشت بیگانگان است ، توجه کند و با توجه به این که تلقینات و تبلیغات گمراه کننده سمعی و بصری و بعضی مطبوعات که در اختیار دوشیزگان و بانوان گذارده می شود ، این علایق را ایجاد و تقویت می نماید ، و این روش های بی ارزش و زیان بخش را به آنها تعلیم می دهد ، گمان می کنم در این موضوع بیشتر از این توضیح لازم نباشد و شما و هر بانوی با فکر دیگر ، اگر مطالعه بنماید ، آگاه و ملتفت می شود که این هم ، آثار و نقشه های شوم ضد اسلام و دور کردن مسلمان ، از حریم هدایت های اسلام است . و اما راجع به سؤال دوم نیز آنچه به شما نصیحت و خیرخواهی می کنم ، این است که در موضوع رابطه با مرد اجنبی بسیار مراقب باشید که رابطه ای خارج از حد و مرزی که شرع مقرر کرده است پیدانکنید با مرد اجنبی آمد و شد و معاشرت ننمایید که خطرناک است و پشیمانی می آورد لابد می شنوید که چه بسیار دوشیزگانی که از حریم مقدس عفت و پاکدامنی ، در اثر این معاشرتها و ارتباطها دور افتاده و درعواقب سؤ این رفتارهایی که فعلا به دوشیزگان پیشنهاد می شود ، و آن را نشانه تجدد و ترقی می دانند گرفتار شده ، و آلوده گردیده اند و آن مطلب و مقاصدی هم که در نظر داشته اند ، به باد فنا رفت (یا فریب خوردند یا فرد پشیمان شد و یا جریانهای دیگر) . این علاقه هایی که شما از آن نوشته اید ، علاقه اصیل و حساب شده نیست ، علاقه ای است که بین دختر و پسری ، در ایام جوانی ممکن است پیدا شود و لذا در این موارد همان راهنماییهای پدر و مادر و افراد دلسوز و پخته خانواده و مشورت با آنها ، که فکرشان از آن احساساتی که یک دختر یا پسر جوان که به هم برخوردند ، آزاد است ، بسیار ارزنده است . به نظر می رسد که اگر خیر و سعادت خود را می خواهید ، حتما موضوع ازدواج را با پدر و مادر در میان بگذارید اگر آنها مخالفت کردند ، ناراحت نشوید و بدانید که آنها خیر فرزندشان را می خواهند و در این مورد تجربه شده است که نظر آنها ، واقع بین تر است ، و در اکثر موارد ، رای و نظرشان صائب و صحیح است . به شما و امثال شما نصیحت می کنم که در این مواقع جوانی ، خود را کنترل کنید و بر خود ، مسلط باشید و اطمینان داشته باشید که آینده شما قرین سعادت و خوشبختی خواهد بود . اما مساله جایز بودن دیدار و نظر به کسی که شخص قصد ازدواج با او را دارد ، باید از حدود ، و مقدار متعارف و به مقدار اطلاع بیشتر نباشد ، و نمی شود که با مرد اجنبی اختلاط و معاشرت به این اسم برقرار کرد اما ازدواج با شخصی که شغلش حرام و درآمدش حرام است ، اگرچه به خودی خود ممنوع نیست ، آن هم از ازدواجهایی است که برای زن مسلمان آینده لذت بخشی نخواهد داشت ، زیرا مسلمان باید از خوراک و پوشاک و اموال حرام پرهیز کند ، و برای او زندگی با این شوهر دشوار می شود ، مگر آن که شوهر ، قبل از ازدواج ، شغل حرام را ترک کرده و شغل حلال و مشروعی انتخاب کند . خداوند متعال شما و همه بانوان و دوشیزگان مسلمان را در طریق

اسلام و عفت و حجاب ثابت دارد. والسلام علیکم ورحمة الله. قم / لطف الله صافی.

### ۳. ازدواج

#### سؤال ۲۶ = حقوق زوجین

ت به نام آنکه جان بخشید در دلها و پاک ساخت قلبها را. با تقدیم احترام! خدمت شریف و گرامی جناب عالی سلام و درود فراوان می فرستم و سلامتی و طول جنابعالی را از ایزد منان خواستارم. جناب آقای آیت الله العظمی صافی، مرجع تقلید محترم من! تا کنون مدت دو سالی است که قصد مکاتبه با شما را دارم، اما به دلایلی این افتخار نصیب نشده بود، بالاخره امروز مصمم شدم تا مکاتبه ام را با مرجع تقلیدم آغاز کنم و خودم را از زندان سؤال نجات دهم امیدوارم زیاد وقت گرامیتان را نگیرم و شما لطف کنید و جوابهای مرا بدهید. اول از همه، رساله ای از خودتان می خواستم که احکام اولیه و ثانویه را مفصل شرح داده باشد و سؤال و جواب نباشد اگر مقدور بود برایتان، لطفاً برایم بفرستید. سؤالات من بسیار است و اکثر آنها شخصی است من دانشجوی رشته کاردانی حسابداری در تهران هستم. به رشته طراحی علاقه وافر دارم جدیداً به عقد آقای درآمده ام ایشان با ما زندگی می کنند، به دلیل اینکه خانواده شان اهل بیرجند هستند در حقیقت شاید زندگی مشترک ما شروع شده باشد سؤال من اینست، آیا ایشان حق دارد بر تمام امور من، نظارت و کنترل داشته باشد، یا فقط در مواردی خاص؟. موقعیتی در دانشکده پیش آمده که من می توانم طراحی را ادامه دهم ایشان این کلاس را برای من ممنوع کرده اند آیا من می توانم باز هم بدنبال این رشته بروم یا نه؟ دلیل ایشان اینست که به درسم لطمه می خورد، هر چه صحبت کرده ام راضی نشده اند از این موارد زیاد پیش می آید می خواستم بدانم با وجود اینکه هنوز در خانه پدرم هستم، مسؤولیت من به گردن پدرم است یا آقای [شوهرم]، با توجه به جلب رضایت هر دو، حرف کدام در حال حاضر مهمتر است؟. آیا او حقی در این زمان بر من دارد و می تواند مرا از تحصیل محروم کند؟. در ضمن آیا گذشته من ربطی به او دارد؟ من از زمان تولد تا رسیدن به او را برایش با جزییات و احساساتم بیان نموده ام شاید اشتباه کرده ام، چون او حساس شده است البته شاید من نتوانسته ام آنطور که باید خودم را تشریح کنم و خودم رابه او بشناسانم، چون حقیقتاً خودم را هنوز نشناخته ام و درگیر خودم هستم. ما هر دو می خواهیم بر اساس قوانین شرعی و اسلامی پیش برویم و زندگیمان را حلال گردانیم بر این اساس من چه باید بکنم تا زنی نمونه باشم البته جواب را می دانم که باید مطالعه کنم و الگویم را حضرت زهرا، سلام الله علیها، قرار دهم، اما باز هم به کمک شما احتیاج دارم. به من بگویید تا چه حد ایشان می توانند در گذشته من حقی داشته باشند؟ و آیا من همه چیز را باید با او درمیان بگذارم و نمی توانم مواردی را از او پنهان کنم تا موقعیت مناسب پیش آید؟. مثلاً می توانم پنهانی، طراحی را ادامه دهم یا نه؟ و لازمست همه اتفاقاتی که برایم در طول روز می افتد، برای او بازگو کنم، حتی اگر به ضرر زندگیمان باشد و خدشه ای بر صمیمیت ما وارد کند. در ضمن ایشان جوانی پاک و سالم از هر نظر هستند و من ایشان را هدیه ای از جانب خدا می دانم. و می خواستم بدانم آیا شما شعر هم می گوید؟ اگر بله و امکان دارد و افتخار می دهید قسمتی از نوشته هایتان را برایم بفرستید ببخشید که این قدر طول کشید منتظر جواب شما هستم من برای شنیدن جواب عجله دارم. با تشکر و احترام فراوان خدمت جنابعالی!. تهران / مقلد شما. بسم الله الرحمن الرحیم. مرقوم مفصل شما رسید، جواباً اشعار می دارد: یکی از آیات بزرگ الهی و شگفتیها و ظرافتهایی که در عالم آفرینش، بخصوص انسان، تماشایی و عبرت انگیز و بینش آفرین است، زوجیت و همسر و همدم و انیس و مونس بودن زن و مرد با یکدیگر است، که واقعا الان که این نوشته را می نویسم، واژه ای که تعبیر از این زوجیت و با هم شدن و باهم بودن و یکی شدن این دو جنس، بنماید، ندارم. قرآن مجید می فرماید: ((هن لباس لکم و اتم لباس لهن))، ((۹۶)) بانوان

برای شوهران لباس و شوهران برای ایشان لباس می باشند ، و در آیه دیگر پیرامون این رابطه می فرماید : ((و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم مودهً و رحمهً)) ، ((۹۷)) از خود شما برایتان قرارداد ، یعنی همدم ، مونس ، غمخوار متحد مشترک المنافع و موافق ، همدل ، نه معارض و نه جدا از هم و نه مستقل از هم ، بلکه متحد ، اتحادی که بین هیچ دو نفری برقرار نمی شود ، حقیقت زوجیت این معانی مقدس و آرام بخش است این است که از دو جنس مخالف یک واحد به تمام معنا موافق ، ساخته می شود و اسلام به این جهت ازدواج و تقویت و تکمیل ، بسیاراهمیت داده است و در اکثریت زنان و شوهران مسلمان ، این روحیه و این تجلی و یگانگی و اتحاد را ، اگرچه بالطبع فراهم است ، فراهم تر می سازد ، و اهتمام بر این است که بنیاد قویم و مستحکم ، از آسیب و تعرض مصون بماند و زن و مرد در دل به آن وفادار باشند . حقیر در همین زندگی خود ، زنان و مردانی را دیده ام که در این جهت باهم شدن و از هم بودن ، نمونه بودند و چنان بودند که گویی هر یک از راز دل دیگری خبر داشت و همان را انجام می داد و همان را می گفت که دیگری می گفت ، شخصیتشان درهم ذوب شده بود ، اگر او در بیرون خانه بود و دیگری در درون خانه ، هر دو با هم بودند و در رنج و غم و شادی و گشایش شریک یکدیگر بودند . نه این خود را از او طلبکار می دانست و نه او به این ادعایی داشت . این مردسالاری تحمیلی ، که در زمان ما مبارزه با آن را مطرح می نمایند ، و از آن برای جدا کردن زن از شوهر ، و آنها را دو واحد ، در مقابل هم قرار دادن استفاده می کنند ، اصلاً وجود نداشت ، اخلاق اسلامی در محیط خانه و بر روابط با هم حاکم بوده است . غرض از این بیانات اینست که شما بر حسب آنچه نوشته اید ، همسر از هر جهت پاک و سالم دارید ، که او را هدیه ای از طرف خدا می شمارید ، مساله غیرقابل حل ، بین خودتان نخواهید داشت ، این صفا و وفا و خوش بینی که به هم دارید ، همه امور را بر وفق دلخواه قرار می دهد ، شما خاطرخواه او و او هم خاطرخواه شما ، خواهد بود . البته در نظامات شرعی ، برای اینکه اگر در بین زنها و شوهرها ، افرادی پیدا شدند که بواسطه بعضی جهات و عذرهای صحیح یا بهانه های غلط به این اتحاد و یگانگی نرسیدند ، قانون بر آنها حاکم شود و آنها را منظم سازد ، برای هر یک از زن و شوهر نسبت به هم حقوقی مقرر شده است که برحسب آن ، نظام خانواده و زوجیت باز هم محفوظ بماند و در سایه این حقوق و قانون با هم همزیستی داشته باشند ، برحسب این حقوق هیچ زن و مردی موظف نیستند که از گذشته های خوب و بد و سوابق زندگی خود یکدیگر را مطلع سازند ، باید هر چه می گویند و عمل می کنند ، همه موجب قوت اتحاد و خوش بینی آنها به یکدیگر باشد . مساله اینکه تا در خانه پدر هستید باید چگونه باشید ، این جزئیات را با توافق با هم و ملاحظه خیر و صلاح یکدیگر ، در حالی که یک واحد هستید ، حل نمایید نه او جمود بر حقی که دارد داشته باشد و نه شما در موضوعی که در بین است ، اصرار کنید . مرد باید دستور ((المؤمن یا کل بشهوه اهل و المنافق یا کل بشهوته)) ((۹۸)) را در رابطه با زن رعایت کند ، زن هم باید خود را موظف بداند که یا اخلاقاً و یا حقاً و شرعاً ، رضایت شوهر را فراهم نماید . امید است با این توضیحات این روابط گرمی که بین شما و همسران ، بحمدالله ، برقرار است ، بیش از پیش گرمتر شود ، و زندگی سعادت‌مندانه و خوبتر و خوبتر را در پیش روی داشته باشید . ((الف الله بینکما و طیب الله نسلکما)) . با التماس دعا . لطف الله صافی .

### سؤال ۲۷ = معیارهای انتخاب همسر

بسم الله الرحمن الرحیم . خدمت با سعادت مرجع شیعه آیت الله العظمی صافی گلپایگانی . با سلام ! . مشکل من انتخاب همسر آینده ام می باشد ، چندی است که در مورد انتخاب همسر مشغول فکر کردن و انتخاب معیارهای درست ، که مورد قبول خداوند متعال باشد ، هستم ، معیارهایی که مورد قبول عقل و شرع باشد و مرا در زندگی مشترک ، با زنی به خوشبختی کامل و آنچه مورد نظر اسلام است ، برساند . معیارهای من ، عبارتند از : هم فکری و هم عقیده بودن ، مشترک بودن مکتب و دیدگاه و جهان

بینی، از نظر روحی و فکری بهم نزدیک بودن و در یک کلام هم شان بودن، از نظر فکری، به ثروت، زیبایی، تحصیلات و غیره اهمیت نمی‌دهم، هرچند این مسایل را انکار نمی‌کنم بهرحال انسان دوست دارد همسری زیبا، دارای تحصیلات عالی داشته باشد، ولی به نظر من، وقتی انسان با دختری که با او هم فکر و هم عقیده است، ازدواج کند، خودبخود همه این مسایل حل می‌شود. زیرا به نظر خود، طرز تفکر من، شعاع بسیار وسیعی در مورد معیارهای ازدواج دارد، هم فکر بودن، فکر من اینست که به تحصیلات و کسب دانش تا آخر عمر ادامه دهم، دائما در مورد مسایل مختلف فکر کنم، از گناه و معصیت الهی پرهیز کنم، در زندگی فردی باشم که گوش به فرمان عقل باشد و عقلش بر احساساتش غلبه داشته باشد، و در یک کلام انسانی باشم که خداوند خواستار آن انسان و مورد توجه خداوند باشد میل دارم همسر من، خانواده اش و فامیلش دارای این طرز تفکر باشند، مهمتر، خود آن زن، این طرز تفکر را داشته باشد، طرز تفکری اسلامی و مورد قبول خداوند. ولی مشکل من در اینجا خود را نشان می‌دهد، چگونه بفهمم دختری دارای این شرایط است، من در دانشگاه تحصیل می‌کنم، در این دانشگاه دختر و پسر مشغول تحصیل هستند از طرفی از ارتباط کلامی با دخترها پرهیز دارم و از طرفی مایلم بدانم کدام دختر در این دانشگاه یا در شهر محل سکونت من، دارای این طرز تفکر است. باور کنید وقتی در تخیل و رؤیا، به این مساله فکر می‌کنم که مشکلم حل شده است، آن دختر موردعلاقه ام را پیدا کرده ام و با او ازدواج کرده ام، آنچنان آرامش و اطمینان تمام وجودم را [فرا] می‌گیرد، که وصف ناشدنی است. اکنون که مشغول نوشتن این نامه برای حضرتعالی هستم، مانند مرغی سرگردان و حیران هستم، نمی‌دانم با چه دختری وصلت کنم. معیار من، خانه، دارایی و زیبایی نیست، معیار من هم فکر و هم عقیده بودن است، زیرا با چنین دختری، زندگی را شروع کردن، آغاز خوشبختی است. می‌خواهم از نظر جناب عالی مطلع شوم و راه درست، که مورد قبول حضرت حق باشد را، شما به من نشان دهید چگونه همسر آینده ام را بشناسم؟ و آیا این معیارها درست است و اشتباهی در مورد انتخاب معیارهایم ندارم؟ مرا راهنمایی کنید تا از این سرگردانی نجات پیدا کنم و هر روز تمایل به کسی پیدا نکنم و پیش خود خیال نکنم این همان است که بدنبالش می‌بودم و بعد بینم سراب است البته تمایل من فقط نگاه است و نه حتی چشم چرانی، بلکه نگاهی کوتاه و سریع، حتی از نگاه به نامحرم، اگر چه کوتاه، ابا دارم، ولی بعضی مواقع چشم من به کسی می‌افتد و هر چه دیده بیند، دل کند یاد. با تشکر. بسم الله الرحمن الرحيم. انشاءالله تعالی موفق و مشمول عنایات حضرت بقیه الله، ارواح العالمین له الفدا، باشید. مرقوم مفصل شما رسید در مورد ازدواج که نظر حقیر را خواسته اید، همانطور که می‌دانید ازدواج یکی از سنن مهم اسلام و مورد ترغیب و تشویق بسیار است و از حضرت رسول، صلی الله علیه و آله، روایت است که فرمود: ((النکاح من سنتی)) ((۹۹)) و در احادیث دیگر است: ((من تزوج فقد احرز نصف دینه)) ((۱۰۰)). امید است حال که در صدد انجام این سنت هستید چنانکه در نظر دارید، موردی که از جهت ایمان و توافق اخلاقی مناسب باشد، فراهم شود ولی در انتخاب همسر بیشتر از معارف، فحوص و جستجو تاحدی که به مرحله وسواس و مانع از اخذ تصمیم شود، صحیح نیست همین قدر که از جهات مورد نظر، بخصوص دیانت، عفت و اخلاق شناخته شود و پدر و مادر شما و افرادی که به آنها اعتماد دارید، نیز موردرا مناسب بدانند، بقیه امر و آینده همه با خداوند متعال است. با توکل به خدا و طلب خیر از خدا و به نیت انجام سنت دینی اقدام نمایید و آینده اموری را که انسان در جریان آن مؤثر نیست، همه را به خدا واگذار نمایید که: ((و من یتوکل علی الله فهو حسبه)) ((۱۰۱)). والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته. لطف الله صافی.

### سؤال ۲۸ = بد اخلاقی همسر

حضور حضرت آیت الله العظمی صافی. ضمن عرض سلام! جوانی هستم ۲۵ ساله، مدت سه ماه است ازدواج کرده ام در طول این سه ماه متوجه شده ام همسر من با من ناسازگاری و لجاجت بی مورد دارد، مدام بهانه های بی خود می‌گیرد و منتظر



فرصت و بهانه ای است تا از من جدا شود این طور که من این مدت فهمیدم و خودش هم اعتراف کرده، قبل از ازدواج موارد اخلاقی داشته - رابطه با پسر - و دختر سر به زیری نبوده است، بطوری که مدارکی هم در این مورد از او پیدا کرده ام - نامه های عاشقانه، شماره تلفن و غیره -، من همیشه او را نصیحت می کردم تا شاید اصلاح شود حتی یک بار او را تهدید کردم که چیزهایی را که فهمیده ام به پدر و مادرش می گویم و از او تعهد کتبی با امضا و اثر انگشت گرفتم، اما مؤثر واقع نشد. البته شاید، به ظاهر، کمی مشکل اخلاقی اش اصلاح شد، اما در مورد ناسازگاری و لجاجت، الان مدت دوهفته است که بخاطر همین مسایل، او را به خانه پدرش برده ام، چون گفته که من نمی توانم با تو زندگی کنم و طلاق می خواهد ما هم برای طلاق استخاره کردیم، استخاره خوب آمد، اما ممکن است با پادرمیانی ریش سفیدهای فامیل و بزرگترها، دوباره مجبورش کنند که برگردد - البته با توجه به این که هیچ کس از موضوع مسایل قبل از ازدواجش خبر ندارد و با علم به اینکه می گوید: ((پدرم مرا به ازدواج با تو مجبور کرد)) - من برای آخر و عاقبتم و طلاق با او، استخاره کرده ام و خوب حالا به نظر شما چه کنم؟ به حرف بزرگترها و ریش سفیدها، گوش کنم یا به استخاره عمل کنم؟ اگر لازم می دانید شما هم استخاره ای در این مورد بنمایید، چون من اصلا به او اعتماد ندارم و از آینده ام و زندگی با او و احتمالا خیانت او می ترسم و مانده ام چکار کنم؟! البته لازم به ذکر است که به اعتراف خود ایشان، بنده از لحاظ مالی و اخلاقی هیچ مشکلی ندارم، نمی دانم مسایل اخلاقی را به پدر و مادرش بگویم یا نه، اگر نگویم و او را طلاق دهم، چون کسی در جریان نیست، حتما به فساد (بیشتر) کشیده می شود، و اگر بگویم، نمی دانم [که آیا] مدارکم - حتی تعهدی که از او همراه با امضا و اثر انگشت گرفته ام -، برای اثباتش کافی است یا نه. با تشکر و عذرخواهی از اینکه وقتتان را گرفتم و مطلب به درازا کشیده شد، اما لازم دیدم تمام مسایل را، به طور گسترده و باز خدمتتان ارایه نمایم، تا بتوانید راهنمایی فرموده و نظرتان را به طور کامل و قطعی بیان نمایید. بسم الله الرحمن الرحیم. حقیر از اظهار نظر در امر داخلی و شخصی شما، بعلت عدم اطلاع معذورم، بطور کلی، اولاً اگر بررسی و امری که برای فرد عیب و عار باشد، مطلع شده اید، افشا نکردن آن فضیلت و ثواب بسیار دارد و بلکه افشا کردن نیز، اگر ضرورتی نباشد، حرام و معصیت است و گاه موجب تعزیر یا حد قذف می شود، بنابراین از افشای سر، حتی پیش پدر و مادر شخص پرهیزید، و ثانیاً امر طلاق به دست مرد است و بخصوص اگر زوجه هم مایل باشد، بلی، اگر بواسطه طلاق، زوجه در معرض فساد اخلاقی یا فشارهای روحی قرار بگیرد، البته با امکان زندگی با زوجه، ترک طلاق و ادامه معاشرت به معروف، بسیار خوب است و اصلاً مبعوض ترین کارهای حلال، طلاق است و ثالثاً این خود شما هستید که با توجه به نظر ناصحین، سالمندان فامیل، دوستان و امکاناتی که خود دارید و ملاحظه جوانب مختلف تصمیم بگیرید به هر حال حقیر هم دعا می کنم که آنچه خیر و صلاح شما و طرف شما است فراهم شود. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته. لطف الله صافی.

#### ۴. نمایه واژه ها

اباطیل: باطلها. استدراج: سنت الهی (مهلت دادن گناهکار و عذاب ناگهانی). اهل بدع: کسانی که مطالبی جدید، در دین خدا وارد می کنند. بار عام: اجازه عمومی دادن. تحلیه: آراستن خویش به اخلاق کریمه. تحمید: حمد و ثنا کردن. تسبیح: خدا را به پاکی یاد کردن. تسدید: کمکهای غیبی. تعزیر: مجازات شرعی. تفویض: تفویض: واگذار کردن. تکبیر: خدا را به بزرگی یاد کردن. تهلیل: ذکر ((لا اله الا الله)). تیه: بیابان. حد: مجازات شرعی. حظوظ: بهره ها. حیا: در حال زنده بودن. خلع: بیرون افکندن. خوض: فرو رفتن، تفکر کردن. دارین: دو دنیا. دعای مکارم الاخلاق: دعایی منسوب به حضرت سجاد، علیه السلام. دنیه: پست و بی ارزش. صحیفه مبارکه علویه: صحیفه سجادیه. عرق جبین: از دسترنج خود بهره مند شدن. عصات: گناهکاران. غور: فرو رفتن، تفکر کردن. قذف: نسبت عمل ناروا به کسی دادن. قلاع: قلعه ها. کدیمین: از

دسترنج خود بهره مند شدن . کما هو حقه : آنچه‌ان که شایسته اوست . لبس : پوشیدن . مرویه : روایت شده . مشار بالبنان : مشهور . معاتبه نفس : سرزنش نمودن نفس آدمی . ملاهی : لهو و لعب . ملهیات : اسباب لهو و لعب . مناھی : اموری که مورد نهی است . میتا : در حال ممت . نفس بهیمیة : نفس حیوانی .

## پی نوشتها

### ۵۰۱

۱- شمس آیه ۹ به راستی هر کس آن [نفس] را پاکیزه داشت رستگار شد. ۲- نحل آیه ۹۷ هر کس از مرد یا زن که کار نیک کند و مؤمن باشد به زندگانی پاک و پسندیده ای زنده اش می داریم و به بهتر از آنچه کرده اند پاداششان را می پردازیم .  
 ۳- ذاریات آیه ۵۵ اندرز مؤمنان را سود دهد . ۴- آل عمران آیه ۱۹۱ و در آفرینش آسمانها و زمین می اندیشند که پروردگارا این را بیهوده نیافریده ای ! . ۵- اعراف آیه ۱۷۹ دلهایی دارند که با آن در نمی یابند و دیدگانی دارند که با آن نمی بینند و گوشهایی دارند که با آن نمی شنوند . ۶- قصص آیه ۸۳ این سرای آخرت است آن را برای کسانی که در روی زمین نمی خواهند سرکشی و تبهکاری کنند مقرر داشته ایم و سرانجام نیک از آن پرهیزکاران است . ۷- کهف آیه ۴۵ و برای آنان زندگی دنیوی را به آبی مثل بزن که آن را از آسمان نازل کنیم و به آن گل و گیاه زمین آمیزد و سرانجام خرد و خوار شود که بادهای پراکنده اش کنند و خداوند بر هر کاری تواناست . ۸- زلزال آیات ۷ و ۸ پس هر کس همسنگ ذره ای عمل خیر انجام داده باشد [پاداش] آن رامی بیند و هر کس همسنگ ذره ای عمل ناشایست انجام داده باشد [کیفر] آن را می بیند . ۹- یوسف آیه ۱۰۵ و چه بسیار نشانه [و مایه عبرت] در آسمانها و زمین هست که بر آن می گذرند وهم آنان از آنها رویگردانند . ۱۰- دخان آیات ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ چه بسیار باغها و چشمه ساران از خود باقی گذاردند و [نیز] کشتزارها و خانه های نیکو و نعمتی که در آن خوش و خرم بودند . ۱۱- شعرا آیات ۲۰۵ و ۲۰۶ و ۲۰۷ ملاحظه کن که اگر سالها برخوردارشان سازیم پس از آنچه بیمشان داده ایم به سراغ آنان آید آن برخورداریشان به کار آنان نیاید . ۱۲- کلینی محمد، کافی، ج ۲ ص ۴۵۳ . ۱۳- از اصحاب حضرت امام جعفر صادق علیه السلام . ۱۴- اعراف آیه ۲۰۵ و از غافلان مباش . ۱۵- عنکبوت آیه ۶۹ و کسانی را که در حق ما کوشیده اند به راههای خاص خویش رهنمون می شویم و بیگمان خداوند با نیکوکاران است . ۱۶- فیض کاشانی، محسن، المحجّة البيضاء، ج ۲، ص ۲۱۱ ان القلوب تصدع كما یصدع الحدید فقیل یارسول الله : و ما جلاها فقل : تلاوة القرآن و ذکر الموت . ۱۷- عوف بن اسلم معروف به ابی حمزه ثمالی از اصحاب حضرت امام زین العابدین علیه السلام . ۱۸- قمی، حاج شیخ عباس، مفاتیح الجنان و ترجمه این عبارات چنین است : خدای من ! چه شد که هر بار گفتم درون خویش را اصلاح می کنم و همنشین توبه کنندگان می شوم گرفتاری پیش آمد که ثبات قدم را از من گرفت و میان من و خدمت به تو جدایی افکند مولای من ! شاید که مرا از درگاه خویش رانده ای و از خدمت [بندگی در بارگاه قدست] محروم کرده ای یا آنکه دیدی من در حق تو کوتاهی کردم پس تو نیز مرا از خویش دور کردی یا آنکه دیدی من از تو روی گردانم پس بر من خشم گرفتی یا شاید مرا در زمره دروغگویان یافتی از این روی رهیم کردی یا شاید دیدی که من سپاسگزار مواهب تو نیستم پس تو نیز بی نصیبم گذاشتی یا شاید آنکه مرا همنشین عالمان ندیدی و از همین روی خوارم نمودی یا آنکه مرا در میان زندگان دیدی و چنین شد که از رحمت ناامیدم کردی یا آنکه مرا در میان اهل باطل دیدی پس مرا به آنان واگذاری . ۱۹- انعام آیه ۱۵۳ و بدانید که این راه راست و درست من است پس آن را در پیش گیرید و به راههای دیگر نروید که شما را از راه او دور اندازد این چنین به شما سفارش کرده است باشد که تقوا پیشه کنید [و در امان مانید] ۲۰- ابن ابی جمهور احسائی عوالی اللئالی ج ۲ ص ۵۱ آن کس که

پایان زندگیش به قیام شبانگهان باشد بهشت از آن اوست . ۲۱- ابن ابی جمهور احسائی عوالی اللئالی ج ۴ ص ۸۰ راستی که شما هرگز نتوانید با اموال خویش عهده دار مردم گردید پس با اخلاقتان چنین باشید . ۲۲- شوری آیه ۲۳ بگو برای آن کار از شما مزدی نمی طلبم مگر دوستداری در حق نزدیکان [اهل بیت] ۲۳- ابن ابی الجمهور احسائی عوالی اللئالی ج ۴ ص ۸۰ انی شافع یوم القیامه لا ربه اصناف و لوجاوا بذنوب اهل الدنیا : رجل نصر ذریتی و رجل بذل ماله لذریتی عند المضیق و رجل احب ذریتی باللسان و بالقلب و رجل یسعی فی حوائج ذریتی اذا طردوا و شردوا . ۲۴- ابن ابی جمهور احسائی عوالی اللئالی ج ۱ ص ۳۵۸ هر کس فقیهی را احترام کند در روز قیامت به ملاقات خداوند در حالی نایل گردد که پروردگارش از او خشنودست و هر کس فقیهی را سبک شمرد در قیامت خدایش را در حالی می بیند که از او خشمگین است . ۲۵- سوره بقره آیه ۱۵۹ . ۲۶- ابن ابی جمهور احسائی عوالی اللئالی ج ۴ ص ۷۰ آنگاه که در امت من بدعتها پدیدارگشت پس بر عالم (دینی) است که دانسته های خویش را بیان کند و اگر چنین نکرد پس لعنت خدا بر او باد . ۲۷- مجلسی محمد باقر بحارالانوار ج ۷۰ ص ۷۴ . ۲۸- بقره آیه ۱۵۲ پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم . ۲۹- ابراهیم آیه ۱۷ اگر شکر کنید بر نعمت شما می افزایم و اگر کفران بورزید [بدانید که] عذاب من سخت و سنگین است . ۳۰- مفید ارشاد ج ۲ ص ۱۶۵ . ۳۱- زمر آیه ۶۰ [به آنان گویند] آیا منزلگاه متکبران در جهنم نیست ؟ ۳۲- کنز العمال ص ۲۲۸ کسانی که در این دنیا مال اندوزند در آخرت دستشان تهی است . ۳۳- صدوق معانی الاخبار ص ۳۹۸ . ۳۴- کلینی محمد کافی ج ۲ ص ۱۰۵ قال الصادق علیه السلام : لاتنظروا الی طول رکوع الرجل و سجوده فان ذلک شی اعتاده فلوترکه استوحش لذلك و لکن انظروا الی صدق حدیثه و ادا امانته . ۳۵- عاملی حر و سائل الشیعه ج ۱۶ ص ۴۵۹ . ۳۶- مجادله آیه ۲۲ قومی نیایی که به خداوند و روز بازپسین ایمان داشته باشند و با کسانی که با خداوند و پیامبر او مخالفت می ورزند دوستی کنند ولو آنکه پدرانشان یا فرزندانشان یا برادرانشان یا خاندانشان باشند اینانند که [خداوند] در دلهایشان [نقش] ایمان نگاشته است . ۳۷- توبه دآیه ۲۴ بگو اگر پدرانتان و پسرانتان و برادراتان و همسرانتان و خاندانتان و اموالی که به دست آورده اید و تجارتی که از کساده می ترسید و خانه هایی که خوش دارید در نزد شما از خداوند و پیامبرش و جهاد در راهش عزیزتر است منتظر باشید تا خداوند فرمانش را به میان آورد و خداوند نافرمان را هدایت نمی کند . ۳۸- قصص آیه ۸۳ این سرای آخرت است آن را برای کسانی که در روی زمین نمی خواهند سرکشی و تبهکاری کنند مقرر داشته ایم و سرانجام نیک از آن پرهیزگاران است . ۳۹- ذاریات آیات ۲۰ و ۲۱ و در زمین مایه های عبرتی برای اهل یقین هست و نیز در وجود خودتان . ۴۰- یوسف آیه ۱۰۵ و چه بسیار نشانه [و مایه عبرت] در آسمانها و زمین هست که بر آنان می گذرند و هم آنان از آنها رویگرداندند . ۴۱- اعراف آیه ۴۳ سپاس خدای را که ما را به اینجا رهنمون شد و اگر خداوند راهبر نمی شد هرگز راه نمی یافتیم . ۴۲- لقمان آیه ۳۰ / حج آیه ۶۲ این از آن است که خداوند بر حق است و آنچه به جای او می پرستند باطل است و همانا خداوند بلند مرتبه و بزرگ است . ۴۳- رک به سید علی خان کلم الطیب بارخدا یا! براستی که هر چرخشی در آسمانها و هر حرکتی در زمین و هر نگاهی در چشمها و هر قطره ای در دریاها و هر برگگی از درختان همه بر تو گواه و دلیلند و در ملک تو متحیر و سرگرداندند . ۴۴- اگر به درختان بنگری می بینی که آنها دفترهایی است که بر برگهای آن دلایل وجود خداوند نوشته شده و اگر به دریاها بنگری آنها را سرشار از دریای بخشش وجود خدایی بینی تمام آنچه در عالم وجودست به تسبیح و تمجید او گویاست و هر آنچه هست تسبیح گوی و سپاسگزار اویند . ۴۵- معانی الاخبار ص ۳۴۲ قال الصادق علیه السلام : من استوی یوماه فهو مغبون و من کان اخریومیه خیرهما فهو مغبوط و من کان آخر یومیه شرهما فهو ملعون . ۴۶- نهج البلاغه خطبه ۱۹۰ این اندازه پند خردمند را کفایت است و نادان را مایه عبرت . ۴۷- بارخدا یا! مرا آنسان قرار ده که می پسندی و می خواهی . ۴۸- کلینی محمد کافی ج ۲ ص ۵۹۳ هیچ گوش سپردنی او را از شنیدن صدایی دیگر باز ندارد و هم به آنکه بخواهد و هم به آنکه درخواست نکند عطا می کند . ۴۹- دعای افتتاح مفاتیح الجنان گنجینه های او پایان ناپذیرست و عطای بسیار او را



جز جود و بخشش نیفزاید . ۵۰- غافر آیه ۶۰ و پروردگارت گوید مرا به دعا بخوانید تا برایتان اجابت کنم بیگمان کسانی که از عبادت من استکبار می ورزند زودا که به خواری و زاری وارد دوزخ شوند .

## ۱۰۱۵۱

۵۱- الخرائج و الجرائح ج ۱ ص ۲۶۶ ای آن که ملکوتش همه جا را فرا گرفته و جلال و بزرگیش بر هر چیز چیره است بر محمد و خاندانش درود فرست و قلبم را از شادی توجه بسویت لبریز کن و مرا به گستره فرمانبردارانت ملحق نما . ۵۲- الخرائج و الجرائح ج ۱ صص ۲۶۵ و ۲۶۶ ای آنکه گمراهان بدو توجه کنند و او را راهبر بینند و بیمناکان آهنگش نمایند و او را پناهگاهی استوار یابند و نیایشگران بسویش پناه گیرند و او راتکیه گاه خویش یابند چه زمان آن که غیر از ترا طلب کرد شادمان گشت و چه وقت است راحتی آنکه بدنش را رنجور غیر کرد خدای من ! روشنایی [سحر گاهان] تاریکی [شب] را برده است و هنوز به آرزویم نرسیده ام و از چشمه سار مناجات سیراب نگشته ام بر محمد و خاندانش درود فرست و از میان برآورده ساختن حاجتم و یا بی نصیب گذاشتن آنچه نزد برترست را انجام ده ای مهربانترین مهربانان ! . ۵۳- صحیفه سجادیه ج ۲ ص ۲۳۴ بارخدایا! از تو ایمانی آمیخته در جان و دلم می طلبم و یقینی راستین تا بدانم که هیچ چیز جز آنچه تو برایم نوشته ای به من نمی رسد و مرا به آنچه از زندگی مقدرم نموده ای خوشنود ساز . ۵۴- آل عمران آیه ۱۷۳ خدا ما را بس و چه نیکو کارسازی است . ۵۵- غافر آیه ۴۴ کارم را به خداوند واگذار می کنم . ۵۶- بقره آیه ۱۵۶ ما از خداییم و به خدا باز می گردیم . ۵۷- مجلسی محمد باقر بحارالانوار ج ۷۱ ص ۱۶۰ . ۵۸- کثر العمال حدیث ۳۹۱۸ ای زنده پاینده ! با رحمت دادرسیم کن و یک چشم به هم زدن مرا به خود وامگذار و تمام کارم را اصلاح کن . ۵۹- غافر آیه ۶۰ و پروردگارت گوید مرا به دعا بخوانید تا برایتان اجابت کنم بیگمان کسانی که از عبادت من استکبار می ورزند زودا که به خواری و زاری وارد دوزخ شوند . ۶۰- عاملی حر و سایل الشیعه ج ۴ ص ۱۰۸۶ . ۶۱- مجلسی محمد باقر بحارالانوار ج ۳۹ ص ۱۲۲ . ۶۲- مجلسی محمد باقر بحارالانوار ج ۷۵ ص ۱۵۳ . ۶۳- روم آیه ۱۰ سپس سرانجام کسانی که بد عملی کرده بودند بدتر شد چرا که آیات الهی را انکار و به آنها استهزا می کردند . ۶۴- در قرآن کریم ۸۸ مرتبه لفظ (( یا ایها الذین آمنوا )) تکرار شده است . ۶۵- نهج البلاغه حکمت ۴۵۶ برآستی که جز بهشت هیچ ارزشی برای جانهایتان نیست پس جانهایتان را به غیر از بهشت نفروشید . ۶۶- عنکبوت آیه ۶۹ و کسانی را که در حق ما کوشیده اند به راههای خاص خویش رهنمون می شویم بیگمان خداوند با نیکوکاران است . ۶۷- صافی گلپایگانی محمدجواد گنجینه گهر بهترین امت من کسی است که جوانیش را در طاعت خداوند صرف کند و نفس خویش را از لذات دنیا باز دارد و آن را در راه آخرت به زحمت اندازد برآستی که پاداش چنین فردی در نزد خدا بالاترین درجات بهشت است . ۶۸- عنکبوت آیه ۶۹ و کسانی را که در حق ما کوشیده اند به راههای خاص خویش رهنمون می شویم و بیگمان خداوند با نیکوکاران است . ۶۹- کلینی محمد کافی ج ۱ ص ۳۰ ح ۱ بهوش باشید که خداوند طالبان علم را دوست می دارد . ۷۰- بحارالانوار ج ۶۱ ص ۱۲۹ . ۷۱- نهج البلاغه حکمت ۲۰۵ هر ظرفی به آنچه که در آن نهند تنگ گردد مگر ظرف دانش که هرچه در آن نهند گنجایش بیشتر یابد . ۷۲- مؤمنون آیه ۱۱۵ آیا چنین پنداشتید که ما شما را بیهوده آفریدیم . ۷۳- عنکبوت آیه ۶۴ این دنیا چیزی نیست مگر لهو و لعب . ۷۴- نهج البلاغه حکمت ۴۵۶ یا آزاده ای نیست که این دنیا را که در کم ارزشی همچون ته مانده طعامی است که در دهان باقی می ماند به اهلس و گذارد برآستی که جز بهشت هیچ ارزشی برای جانهایتان نیست پس جانهایتان را به غیر از بهشت نفروشید . ۷۵- انشراح آیات ۶ و ۵ بیگمان در جنب دشواری آسانی است آری در جنب دشواری آسانی است . ۷۶- نهج البلاغه حکمت ۸۲ فان الصبر من الا- یمان کالراس من الجسد . ۷۷- ذاریات آیه ۵۵ که اندرز مؤمنان را سود دهد . ۷۸- مجلسی محمدباقر، بحارالانوار ج ۸۲ ص ۲۳۳ پس برآستی این [توصیه به پرهیزکاری] بهترین اندرزی است که مسلمانی به مسلمان

دیگر نماید . ۷۹- من لایحضره الفقیه ج ۴ ص ۳۵۷ . ۸۰- نسا آیه ۶۹ و کسانی که از خداوند و پیامبر اطاعت کنند زمره کسانی اند که خداوند بر آنان انعام فرموده است اعم از پیامبران و صدیقان و شهیدان و صالحان و اینان نیک رفیقانی هستند . ۸۱- عنکبوت آیه ۶۹ و کسانی را که در حق ما کوشیده اند به راههای خاص خویش رهنمون می شویم و بیگمان خداوند با نیکوکاران است . ۸۲- صحیفه سجاده ج ۲ ص ۲۲۲ ترجمه این فقرات از دعای ابوحمزه را در ص ۳۴ ببینید . ۸۳- اعراف آیه ۲۰۱ پرهیزگاران هر گاه خیالی شیطانی عارضشان شود یاد [خدا] کنند و آنگاه دیده ور شوند . ۸۴- توبه ۱۰۵ و بگو کارتارن را بکنید به زودی خداوند و پیامبر او و مؤمنان در کار شما خواهند نگرست . ۸۵- مشکاة الانوار ص ۱۳۸ در برابر آنانکه علم را از آنها فرا می گیرید و نیز آنها که دانش می آموزند تواضع کنید . ۸۶- سنن دارمی ج ۱ ص ۱۰۰ تنها برای تعلیم برانگیخته شدم . ۸۷- اعراف آیه ۵۸ و زمین پاک گیاهش به اذن پروردگارش می روید و آنچه پلید است جز [حاصلی] ناچیز برنیورد . ۸۸- غافر آیه ۱۹ [خداوند] خیانت چشمها و آنچه دلها پنهان می دارند می داند . ۸۹- ابن ابی الجمهور احسانی عوالی اللثالی ج ۲ ص ۲۲۴ من ترک الصلاة متعمدا فقد كفر . ۹۰- قسمی از اقسام حدیث . ۹۱- مجلسی محمد باقر حلیه المتقین . ۹۲- اعراف آیه ۵۸ و زمین پاک گیاهش به اذن پروردگارش می روید و آنچه پلید است جز [حاصلی] ناچیز برنیورد . ۹۳- کلینی محمد کافی ج ۵ ص ۳۲۹ آن کس که ازدواج کند نصف دینش را حفظ کرده است . ۹۴- نهج البلاغه حکمت ۴۵۶ آیا آزاده ای نیست که این دنیا را که در کم ارزشی همچون ته مانده طعامی است که در دهان باقی می ماند به اهلش واگذارد برآستی که جز بهشت هیچ ارزشی برای جانهایتان نیست پس جانهایتان را به غیر از بهشت نفروشید . ۹۵- توبه آیه ۱۰۵ و بگو کارتارن را بکنید به زودی خداوند و پیامبر او و مؤمنان در کار شما خواهند نگرست . ۹۶- بقره آیه ۱۸۷ آنان (( پیراهن تن )) شما و شما (( پیراهن تن )) آنانید . ۹۷- روم آیه ۲۱ و از جمله آیات او این است که برای شما از نوع خودتان همسرانی آفرید که با آنان آرام گیرید و در میان شما دوستی و مهربانی افکند . ۹۸- کلینی محمد کافی ج ۴ ص ۱۲ مؤمن آن گونه غذایی را می خورد که موافق میل همسر و فرزندانش است ولی منافق در غذا خوردن فقط به رای و نظر خود توجه می کند . ۹۹- مجلسی محمد باقر، بحار الانوار ج ۲۲ ص ۱۸۰ ازدواج از سنت من است . ۱۰۰- کلینی محمد کافی ج ۵ ص ۳۲۹ آنکس که ازدواج کند نصف دینش را حفظ کرده است . ۱۰۱- طلاق آیه ۳ و هر کس بر خداوند توکل کند همو وی را کافی است .

### درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمائید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به

بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازی های رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی: [www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com) تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۱۹۷۳-۳۰۴۵ و شماره حساب شبا: ۵۳-۵۳۰۹-۰۶۲۱-۰۶۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۱۸۰-۰۱۸۰-IR۹۰ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز

بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

